

The Role of Indices in Evidence Law: Implications for Civil, Criminal, and Administrative Cases

Badie Fathi*  Assistant Professor, Private and Economic Law Group, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Introduction

This article delves into the distinct roles and implications of indices in evidence law within civil, criminal, and administrative lawsuits. While Iranian myths and epics, such as the story of Siavash and the Prophet Joseph in the Quran, exemplify the use of presumptions and indices as evidence, there has been limited scholarly focus in Persian on the differences between these two concepts. This paper aims to analyze these concepts, clarify their respective functions, and explore their impact on legal proceedings. Despite the legislative tendency to conflate indices with presumptions, it is important to recognize that they hold different positions within the hierarchy of evidence.

Historically, presumptions and indices have served as evidence in judgments, suggesting their long-standing use in various legal systems. However, Persian literature lacks an in-depth analysis of how

* Corresponding Author: badie.fathi@atu.ac.ir

How to Cite: Fathi, B. (2025). The Role of Indices in Evidence Law: Implications for Civil, Criminal, and Administrative Cases. *Journal of Criminal Law Research*, 12(47), 1 - 46 . doi: 10.22054/jclr.2025.81351.2690

these concepts differ from traditional forms of evidence. This article seeks to fill that gap by exploring the terminologies involved and their specific applications in lawsuits. Although legislators often pair indices with presumptions, a distinction exists: indices do not carry the same weight as presumptions.

Literature Review

In Persian legal literature, numerous books on evidence law explain the probative value of presumptions. Dr. Nasser Katouzian, for example, has written articles on the subject in the *Journal of Law and Political Science* (Summer 2004, University of Tehran, pp. 125-154). However, there is little discussion of the distinction between presumptions and indices, nor an exploration of the probative value of indices.

Materials and Methods

This study adopts a descriptive-analytical approach and utilizes library research methods to examine the relevant data. The aim is to assess the differences between presumptions and indices, analyze their respective roles in legal proceedings, and discuss how these differences affect the application of evidence law in practice.

Results and Discussion

Today, judicial decisions—particularly in criminal procedures—often rely on indices. This widespread use of indices underscores the need for a deeper theoretical analysis of their function. While many assume that there is no meaningful difference between indices and presumptions, it becomes evident that these two concepts differ

significantly within the law of evidence. Indices are ranked lower than presumptions in terms of their evidentiary value.

Although legal scholars have paid comparatively little attention to this distinction, indices have been extensively utilized in practice by judges and investigators. This practical usage warrants a more comprehensive theoretical understanding. This article aims to clarify the position of indices within evidence law, compare them with presumptions, define indices and their types, and explore their value at various stages of criminal, civil, and administrative proceedings.

Conclusion

A presumption is generally comprised of two or more indices. Indices are ranked lower than presumptions in the hierarchy of evidence, and, like presumptions, they can be categorized into indices of facts and indices of law. Unlike presumptions—whether rebuttable or irrebuttable—indices can always be rebutted.

The identification and evaluation of both indices and presumptions depend heavily on the judge's experience, intelligence, and expertise in the relevant field. To protect legitimate rights and freedoms, as well as uphold the presumption of innocence (a legal principle stating that every person should be considered innocent until proven guilty), it is advisable to avoid treating a single index as a presumption. Generally, a claim should not be proven with only one index but rather through a combination of two or more indices.

In some cases, such as when the law specifies that certain documents or business records must be provided as positive evidence, or in family law cases where a husband's refusal to take a drug test is used as evidence to support his wife's claims, indices may play a crucial role. In such scenarios, failure to provide the relevant document or an

unreasonable justification for not taking the drug test can serve as indices that influence the court's decision.

Indices function differently at various stages of legal proceedings. In criminal cases, indices can justify actions such as arraignment, arrest, and the issuance of search warrants. However, until an index rises to the level of a presumption and convinces the judge's conscience, it cannot lead to a conviction.

In civil and administrative cases, indices that do not reach the level of a presumption may establish urgency in issuing provisional orders, suspending execution, or delaying the enforcement of a judgment. However, they cannot result in a final judgment convicting the defendant. It is important to note that legislators have occasionally misapplied indices and presumptions in legal statutes. Such errors can impact the fairness and clarity of legal proceedings, highlighting the need for a more refined understanding of these concepts within the legal system.

Keywords: Evidence Law, Presumption, Indices, Witness

ارزش اثباتی قرائن در حقوق دادرسی (کیفری، مدنی و اداری)

استادیار گروه حقوق خصوصی و اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

بدیع فتحی * 

چکیده

امروزه در عمل قضاوت به یاری قرینه‌ها صورت می‌گیرد و لذا به نظر می‌رسد که تهیه‌ی مقدمات نظریه و نظریه‌سازی در این باره ضرورت دارد. در عین حال به انگاره‌ی کمابیش همگان تفاوتی میان قرینه و اماره وجود ندارد اما به نظر می‌رسد میان اماره و قرینه در فرآیند اثبات دعوا (اعم از کیفری، مدنی و اداری) تفاوت وجود دارد. قرینه‌ها در مرتبه‌ی پایین‌تری از اماره‌ها قرار دارند؛ امری که هر چند نویسندگان حقوقی در نظر به آن کم‌تر التفات یافته‌اند، اما دادرسان و کارآگاهان در عمل آن را بسیار به کار بسته‌اند، که البته شایسته است این بکارگیری تا سطح معرفت نظری نیز ارتقاء یابد. این نوشته‌ی تحلیلی، توصیفی و انتقادی در جهت تعیین جایگاه قرینه در نظام اثباتی دلایل است و بر آن است که ضمن تفاوت آن با اماره و تعریف قرینه و انواع آن (قرینه‌ی دور، قرینه‌ی نزدیک) ارزش اثباتی آن را در مراحل مختلف دادرسی‌های کیفری، مدنی و اداری با بهره‌گیری از آرای قضایی بحث کند.

کلیدواژه‌ها: دلیل، اماره، قرینه، گواه.

مقدمه

در قوانین و آرای قضایی واژه‌ی قراین به تنهایی و به طور معمول در کنار امارات زیاد به چشم می‌خورد (بنگرید مادگان ۴۳، ۴۴، ۶۵، ۸۷، ۱۳۸، ۲۳۷ ق.آ.د. ک و ماده‌ی ۱۴۹ ق.آ.د، مادگان ۲، ۲۴، ۳۸، ۴۲ و ۵۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات سال ۱۴۰۱ و ...).

در نوشته‌های حقوقی و نیز آرای قضایی^۱ نیز این دو واژه به طور معمول در کنار هم آورده می‌شوند.^۲ بکارگیری قرینه‌ها دیرینگی بالایی دارد و در عین حال ارزش قرینه‌ها در طول تاریخ نیز متفاوت بوده است. برای نمونه اشخاصی که در گذشته به‌ویژه در جامعه‌ی جاهلی عرب به عنوان چهره‌شناس یا قائف یا عراف^۳ به این می‌پرداختند که شخص در نسب به دیگری ملحق می‌شود یا خیر بر مبنای قرائن ظاهری بوده است. اما امروزه با توجه به دانش ژنتیک و ژن نهفته می‌دانیم که قرینه‌ی ظاهر در مسئله‌ی نسب چقدر می‌تواند رهن باشد. دیرینگی بهره‌گیری از قرینه‌ها تا دل اسطوره‌ها پیش می‌رود، چنانکه در اسطوره‌ی سیاوش نیز که سودابه دل‌باخته‌ی سیاوش است و او را به شبستان فراخوانده است و سیاوش درخواست او را نمی‌پذیرد در هنگامی که سودابه برای کینه‌جویی ادعای تجاوز به علف می‌کند، کیکاوس در مقام قضاوت از قرینه‌ی بوییدن هم بهره می‌برد.^۴ در داستان حضرت یوسف در قرآن مکرم نیز از قرینه و اماره بهره برده می‌شود. با وجود بکارگیری قرینه‌ها که به‌نظر می‌رسد به دیرینگی قضاوت باشد اما بحث علمی دقیقی در مورد قرینه‌ها دست کم در زبان

۱. برای نمونه بنگرید سامانه ملی آرای قضایی دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۸۸۷ تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۹ شعبه‌ی

۱۷ دیوان عدالت اداری، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/2690>

۲. در نوشته‌های حقوقی فرانسه نیز indices et présomptions, کنار هم آورده می‌شود، هر چند در ایران این دو عبارت بیشتر با هم آورده می‌شود.

۳. درباره‌ی قیافه‌شناسی که حرمت دارد یا کراهت در فقه اختلاف نظر است، اما بیشتر تمایل بر حرمت دارند. بنگرید به: (انصاری، به‌ت: ۷) قابل دسترس در:

[illegible]

۴. بدان باز جستن همی چاره جست/ببویید دست سیاوش نخست// بر و بازو و سرو بالای اوسراسر ببویید هرجای او// ز سودابه بوی می و مشک ناب/همی یافت کاووس بوی گلاب// ندید از سیاوش بدان گونه بوی/نشان بسودن نبود اندروی// شاهنامه‌ی فردوسی.

فارسی در مورد قرینه‌ها صورت نگرفته است، در حالی که بحث علمی در این باره لازمی قوام بخشیدن به دادگری می‌باشد. در این مقاله پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا قرائن همان امارات هستند یا اینکه میان این دو مفهوم رابطه‌ی تساوی وجود ندارد و متفاوت از همدیگر هستند؟ چنانچه این مفهوم‌ها از همدیگر متفاوت هستند ارزش اثباتی قرینه‌ها به چه صورت است؟ آیا قرینه‌ها گونه‌های مختلفی دارند و اگر گونه‌های مختلفی از قرائن وجود دارد ارزش اثباتی و آثار آنها در رسیدگی‌های قضایی به چه میزان است؟ در تعارض قرینه با سایر دلایل اثبات دعوا کدام را باید ترجیح داد؟ ما در این پژوهش بر آن هستیم که پاسخ به پرسش‌های یاد شده را در قوانین، رویه‌ی قضایی، دکترین و حقوق تطبیقی بیابیم.

۱. مفهوم‌شناسی اماره و قرینه^۱

اماره در لغت به معنای نشانه، نشان و علامت آمده و جمع آن امارات است (معین، ۱۳۸۰: ۳۶۴). در ماده‌ی ۱۲۲۱ ق.م اماره به عنوان یکی از دلیل‌های اثبات دعوا اینگونه تعریف شده است: «اماره عبارتست از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود». از نظر حقوقی هر چیزی که اولاً جنبه‌ی کاشفیت داشته باشد و ثانیاً کاشفیت مذکور قطعی نبوده بلکه ظنی باشد و ثالثاً قانونگذار کاشفیت مزبور را مورد توجه قرار داده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۷۷). این تعریف قانون مدنی از ماده‌ی ۱۳۴۹ ق.م ۱۸۰۴ فرانسه^۲ برگرفته شده است و در کُد مدنی با اصلاحات سال ۲۰۱۶ این تعریف حذف شد. علت حذف آن انتقادهایی بود که حقوقدانان بر این تعریف داشتند. در حقیقت این تعریف که هم اکنون در قانون مدنی ما وارد شده تلفیقی از تعریف‌هایی است که «ژان دوما» و

^۱ Presumption.

^۲ [Article 1349](https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006070721/LEGISCTA000006150269/1955-01-07)-Création Loi 1804-02-07 promulguée le 17 février 1804 Les présomptions sont des conséquences que la loi ou le magistrat tire d'un fait connu à un fait inconnu. Voir: https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006070721/LEGISCTA000006150269/1955-01-07.

«رابرت ژوزف پوتیه» از اماره ارائه کرده اند.^۱ ژان دوما (Domat, 1703: 271) حقوقدان به نام سده‌ی هفدهم فرانسه بیان می‌دارد «اماره نتایجی هستند که ما از یک قضیه‌ی معلوم برای کشف و آشکار کردن یک قضیه‌ی نامعلوم بکار می‌گیریم».^۲ پوتیه نیز اماره را اینگونه تعریف کرده که «حکمی است که قانون یا قاضی (انسان) در مورد حقیقت چیزی مقرر می‌دارد» (Pothier, 2011: 408). این تعریف به جهت اینکه جامع و مانع نیست^۳ و اینکه در اماره‌هایی مانند اماره‌ی حسن نیت،^۴ فرض مشترک بودن اموال در دوران نکاح،^۵ اماره‌ی برائت،^۶ اماره‌ی قانونی بودن اعمال اداری^۷ و ... از یک قضیه‌ی معلوم برای رسیدن به یک نتیجه‌ی مجهول بکار گرفته نمی‌شوند^۸ واجد ایراد بود (Caire, 2013: 35 et 76). از همین رو مورد انتقاد شدید حقوقدانان قرار گرفت و نیز به جهت اینکه کارکردهای اماره‌ها متفاوت

۱. در ماده‌ی ۲۹۹ آیین دادرسی مدنی لبنان نیز اماره اینگونه تعریف شده است «القرائن هی نتائج تستخلص، بحکم القانون او تقدیر القاضی، من واقعه معروفه للاستدلال علی واقعه غیر معروفه». تلفیق تعریف دوما و پوتیه و به ویژه رد تعریف دوما در این تعریف به‌خوبی آشکار است.

۲ “les présomptions sont des conséquences qu’on tire d’un fait connu pour servir à faire connaître la vérité d’un fait incertain”.

۳ Elle n’est pas discriminante, “claire qu’étant-finet, Les présomptions en droit privé”, IRJS Editions, (2013), p1.

۴ La présomption de bonne foi.

۵ Code civil-Article 1402-Version en vigueur depuis le 01 février 1966

Tout bien, meuble ou immeuble, est réputé acquêt de communauté si l’on ne prouve qu’il est propre à l’un des époux par application d’une disposition de la loi.

Si le bien est de ceux qui ne portent pas en eux-mêmes preuve ou marque de leur origine, la propriété personnelle de l’époux, si elle est contestée, devra être établie par écrit. A défaut d’inventaire ou autre preuve préconstituée, le juge pourra prendre en considération tous écrits, notamment titres de famille, registres et papiers domestiques, ainsi que documents de banque et factures. Il pourra même admettre la preuve par témoignage ou présomption, s’il constate qu’un époux a été dans l’impossibilité matérielle ou morale de se procurer un écrit. Voir: https://www.legifrance.gouv.fr/codes/article_lc/LEGIARTI000006439420.

۶ La présomption d’innocence.

۷ La présomption de légalité des actes administratifs.

۸ Voir: Mustapha Mekki, “Charge de la preuve et présomptions légales L’art de clarifier sans innover”, *Droit & Patrimoine*, N°. 250, (2015).

می‌باشد، در اصلاحات ق.م فرانسه در سال ۲۰۱۶ وارد نشد و به طور کلی از تعریف اماره‌ها صرف نظر کردند (E. Vergès, 2022: 242). هر چند برخی از نویسندگان بر وارد نشدن تعریف اماره در ماده‌ی ۱۳۴۹ در سال ۲۰۱۶ قانون مدنی انتقاد وارد کرده اند (Lardeux, ۲۷۶: ۲۰۱۹). در ایران نیز برخی از نویسندگان براین باورند نه این تعریف قانون مدنی ایران که از ماده‌ی ۱۳۴۹ ق.م فرانسه گرفته شده و نه تعریف‌های دیگری که در این زمینه شده است هیچ کدام حاوی جوهر اصلی وصف ممتاز کننده‌ی اماره از دلیل به معنی خاص آن نیست، و این وصف ممتاز وجود احتمال در اصابت به واقع یا تخلف از آن و اعتماد بر ظن معتبر و گسترش آن، یا به بیان دیگر، قانون غلبه است (کاتوزیان، الف، ۱۳۸۳: ۱۲۷). به نظر می‌رسد که اماره سه ویژگی دارد؛ نخست آنکه با توجه به سیر عادی امور انتظار آن می‌رود لذا انتظار و قابل پیش‌بینی بودن از ویژگی‌های اماره است. دوم آنکه اماره بر مبنای غلبه است. در حقیقت ضابطه‌ی حاکم بر آن ضابطه‌ی تعداد است و در حقوق روم نیز گفته می‌شد «اماره از آنچه اغلب رخ می‌هد استنتاج می‌شود».^۱ بنابراین اماره چیزی نیست جز احتمال معقولی که بر مبنای غلبه‌ی قابل انتظار و قابل پیش‌بینی است. از حیث روانشناسی نیز انسان‌ها تمایل دارند که در شرایط ابهام راه حلی را انتخاب کنند که احتمال وقوع آن مورد انتظار است اما همیشه احتمال یک حادثه‌ای که برابر معمول نباشد نیز هر چند وجود دارد همچون وجود یک قوی سیاه که در محاسبات یک ایرانی یا فرانسوی کمتر راه می‌یابد اما در استرالیا قوی سیاه هم وجود دارد.

اماره را به اعتبار مقام استنباط کننده‌ی آن در ایران و در فرانسه به دو گونه‌ی اماره‌ی قانونی^۲ و اماره‌ی قضایی^۳ تقسیم می‌کنند (ماده‌ی ۱۳۲۱ ق.م). «اماره‌ی قانونی اماره‌ای است که قانون آن را دلیل بر امری قرار دهد مثل امارات مذکور در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آن‌ها و نیز امارات مصرحه در قوانین دیگر» (ماده‌ی ۱۳۲۲ ق.م) و اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد

^۱ Praesumptio sumitur de eo quod plerumque fit.

^۲ La présomption légale/Des présomptions établies par la loi/Presumption of law/ Shall Presume.

^۳ La présomption de l'homme (ou plus précisément du juge)/ Presumptions of Fact/ May Presume.

و در صورتی قابل استناد است که دعوا به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله‌ی دیگر را تمکیل کند (ماده‌ی ۱۳۲۴ ق.م).

تفاوت اصلی اماره‌ی قانونی و قضایی در دو نکته خلاصه می‌شود:

۱- مقام تمیز دهنده‌ی اماره که در اماره‌ی قانونی مقام قانونگذار است و در اماره‌ی قضایی با قاضی است.

۲- اماره‌ی قانونی چهره‌ی نوعی دارد و همانند خود قانون کلی است، در حالی که اماره‌ی قضایی به استنباط قاضی از شرایط و اوضاع و احوال ویژه‌ی هر دعوا بستگی دارد و چهره‌ی شخصی و موضوعی آن جالب است (کاتوزیان، الف، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

در اصطلاح حقوقی قرینه را به پیروی از اماره می‌توان اینگونه تعریف کرد: قرینه عبارت از اوضاع و احوالی است که نزد قضات یا قوانین و مقررات با وجود اینکه دلالت روشن و قاطعی بر کشف حقیقت ندارد اما بر پایه‌ی شک و تردید یا حدس (نه ظن یا گمان) کمک به کشف مجهول می‌کند. این تعریف دارای چند رکن می‌باشد. قدرت اثباتی قرینه، قرینه به اعتبار مقام احراز کننده‌ی آن و ارزش اثباتی آن، که هر کدام را جداگانه بحث خواهیم کرد.

۲. یکسانی یا دوتایی اماره و قرینه

در حقوق ایران بیشتر نویسندگان حقوقی تفاوتی میان اماره با قرینه قائل نیستند و این دو اصطلاح را مترادف هم به کار می‌برند، اما برخی قرینه را متفاوت از اماره می‌دانند. چنانکه در دادنامه‌های شماره‌ی ۹۲۰۹۹۷۷۱۸۲۵۰۱۰۷۴ تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۲۷ و پرونده‌ی شماره‌ی ۹۱۰۹۹۸۷۱۸۲۵۰۲۴۸۲ شعبه‌ی چهارم دادیاری دادرای عمومی و انقلاب شهرستان کازرون این موضوع به روشنی گفته شده است که قرینه متفاوت از اماره می‌باشد و دادیاری انجام عمل مشابه از سوی متهم در سال‌های قبل را در کنار ۱۷ قرینه‌ی دیگر، اماره و دلیلی بر ارتکاب بزه جعل از سوی وی دانسته است. در فرانسه و بلژیک نیز به روشنی تمایزی میان اماره با قرینه قائل نیستند، اما در متن‌های مربوط به ادله‌ی اثبات درباره‌ی اماره‌ی قضایی گفته شده که اماره از یک یا چند سرنخ (indices) به وجود می‌آید. می‌توان اصطلاح indices

۱. برای نمونه بنگرید به: (کاتوزیان، ب، ۱۳۸۳: ۱۲۹ و ۱۳۱) و (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۸) که به صراحت ذکر می‌کند که اماره با قرینه تفاوتی ندارد.

(Ch. Perelman et P. Foriers, 1974: 10) را که معنای رایج آن سرخ است به زبان حقوقی قرینه برگردان کرد.^۱ هر چند که برخی بر این باورند که عبارت indices assez graves که در بند دوم ماده‌ی ۳۲۳ ق.م فرانسه پیش از اصلاحات سال ۲۰۰۶ در کنار اصطلاح des présomptions بکار رفته بود معنای یکسانی دارند اما به نظر می‌رسد که در فرانسه نیز می‌توان این تمایز را قائل شد (P. Foriers, 1974:8). اکنون پرسش این است که چه تفاوت‌هایی میان اماره با قرینه وجود دارد؟ در حقیقت در صورت شناسایی این تفاوت‌ها می‌توان به نظریه‌پردازی راجع به قرینه پرداخت.

درباره‌ی تفاوت اماره با قرینه می‌توان گفت که درجه‌ی دلالت اماره بر واقع بیشتر از قرینه می‌باشد و قرینه‌ها سازنده‌ی اماره هستند. در حقیقت گاهی از مجموع چند قرینه، اماره شکل می‌گیرد. اما به طور کلی قرینه‌ها نیز همانند اماره چهره‌ی نوعی ندارند، یعنی قاعده‌ای کلی در همه‌ی موارد بر آن‌ها صدق نمی‌کند و در پرونده‌ای ممکن است امری قرینه نزدیک باشد و در پرونده‌ی دیگری همان امر قرینه‌ی دور به حساب آید یا حتی اماره انگاشته شود، برای نمونه در پرونده مربوط به نزاع الف با ب و ج چنانچه الف مورد جراحت قرار گیرد و در خصوص اینکه ضارب کدام یک از دو نفر ب یا ج بوده است اختلاف باشد، چند حالت می‌توان فرض کرد:

نخست؛ چنانچه الف اعلام کند که جراحت به سر او را ب وارد کرده است و ب منکر حضور خود در صحنه‌ی بزه باشد در این صورت چنانچه گواه یا گواهانی بر حضور ب در صحنه‌ی بزه گواهی دهند اما درباره‌ی اینکه جراحت توسط وی انجام شده یا خیر اظهار بی‌اطلاعی کنند، در این حالت انکار ب مبنی بر حضور نداشتن او در صحنه‌ی بزه، «قرینه‌ی نزدیکی» بر این می‌باشد که ب جراح است و به نظر می‌رسد که صرف حضور وی در صحنه‌ی بزه را نمی‌توان اماره انگاشت. زیرا اگرچه کتمان حضور در صحنه‌ی بزه این احتمال را تقویت می‌کند که جرح توسط ب انجام گرفته است با این همه درجه‌ی دلالت حضور مظنون در صحنه بر انجام رفتار مجرمانه توسط وی خیلی قوی نیست و رابطه‌ای قوی را نمی‌توان در این باره میان حضور وی و انجام فعل مجرمانه متصور شد و ممکن است تنها

۱ Il est mis en œuvre par le juge qui donc à partir d'un ou plusieurs indices connus.

موجب حدس شود که درجه‌ای پایین‌تر از شک است چه برسد به آنکه موجب ظن و گمان شود.

فرض دوم؛ اینکه چنانچه در مثال یاد شده ب اعلام کند که در صحنه‌ی بزه بوده است اما منکر هر گونه اقدامی گردد. در این صورت حضور ب در صحنه حتی «قرینه‌ی دور» هم به حساب نمی‌آید. زیرا صرف حضور ب در صحنه‌ی وقوع جرم دلالتی بر ارتکاب بزه ندارد. چنانکه در ماده‌ی ۳۱۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نیز در باب لوٹ مقرر داشته است «فقدان قرائن و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت، از مصادیق لوٹ محسوب نمی‌شود و او با ادای یک سوگند، تبرئه می‌گردد».

فرض سوم؛ میان ب و ج رابطه‌ی خویشاوندی برقرار باشد برای نمونه برادر باشند و در عین حال ب منکر حضور خود در صحنه‌ی بزه نباشد در این صورت حضور ب در صحنه می‌تواند قرینه‌ی دوری بر انجام بزه توسط ب باشد. زیرا رابطه‌ی خویشاوندی می‌تواند انگیزه‌ی دخالت ب در نزاع باشد.

فرض چهارم؛ در صورتی که الف از قدرت جسمانی بیشتری برخوردار بوده و ج نیازمند حمایت باشد و رابطه‌ی عاطفی قوی میان ب و ج برقرار باشد و ب هم در صحنه حضور داشته باشد و ب نیز از حیث روانشناسی فردی زودجوش و تعصبی و قوی هیكل و دارای سابقه‌ی کیفری در خصوص ضرب و جرح بوده، هر کدام از این عوامل قرینه‌ی دور به حساب می‌آید که مجموع آنها قرینه‌ی نزدیک یا شک و تردید را تشکیل می‌دهد مبنی بر اینکه جرح توسط ب صورت گرفته است، اما همه‌ی این موارد نمی‌توانند موجب محکومیت ب شوند.

فرض پنجم؛ چنانچه چاقوی خون آلودی که در صحنه‌ی بزه یافت شده متعلق به ب باشد و ب هم منکر حضور خود در صحنه‌ی بزه باشد و گواهان گواهی دهند که ب در صحنه‌ی بزه حاضر بوده و در درگیری دخالت داشته است اما گواهان اعلام کنند که لحظه‌ی ایراد جرح را ندیده‌اند. در این صورت تعلق چاقو به ب و انکار وی در خصوص حضور در صحنه‌ی بزه، هر کدام به تنهایی قرینه‌ی نزدیک به حساب می‌آید که در مجموع اماره و در نتیجه می‌تواند محکومیت ب را شکل دهند. بنابراین می‌توان گفت که قرینه‌ها سازنده‌ی اماره‌ها می‌باشند. در عین حال قرینه‌های قضایی نیز همانند اماره‌های قضایی چهره‌ی نوعی

ندارند چنانکه صرف حضور ب در صحنه‌ی بزه نمی‌تواند در همه‌ی موارد قرینه به شمار آید. همچنین می‌توان گفت که از مجموع چند قرینه‌ی دور، قرینه‌ی نزدیک و از مجموع قرینه‌ی نزدیک با قرینه‌ی نزدیک یا قرائن دور اماره شکل می‌گیرد. از همین رو برخلاف باور برخی نویسندگان ما بر این باوریم که درخصوص انگشت‌نگاری و آزمایش خون و بزاق دهان و سم‌شناسی نیز نمی‌توان ضابطه‌ای کلی و نوعی ارائه داد که همیشه و همه جا موارد یاد شده اماره‌ی قضایی هستند (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۳). در حقیقت یافت شدن آثار انگشتان شخصی بر روی شیشه‌ی تلویزیون منزل مالباخته همیشه اماره‌ی قضایی نیست، چنانچه شخص یاد شده بیگانه باشد و تردد و رفت و آمدی به منزل مالباخته نداشته باشد این امر اماره‌ی قضایی است، اما چنانچه شخص مظنون از اعضای صاحبخانه باشد، یافت شدن آثار انگشتان وی نمی‌تواند اماره قضایی به حساب آید و حتی نمی‌تواند از قرینه‌ی نزدیک به حساب آید زیرا احتمال اصابت آن به واقع به جهت حضور مداوم شخص در منزل و این احتمال عقلایی که آثار انگشتان بر روی اشیاء مانده است، وجود دارد اما این امر می‌تواند قرینه‌ی دوری بر ارتکاب بزه باشد. برعکس در صورتی که در هنگام سرقت شیشه شکسته باشد و از انگشتان سارق قطره‌ای خون بر اموال یافت شود این امر اماره خواهد بود.

۳. گمراه رفتن‌های قانونگذار در استفاده‌ی اشتباه از قرینه و اماره و شواهد

در متن‌های قانونی در مواردی به جای اماره به اشتباه واژه‌ی قرینه بکار رفته است. برای نمونه در ماده‌ی ۳۵۶ ق.م که مقرر می‌دارد «هر چیزی که بر حسب عرف و عادت جزء یا تابع مبیع شمرده شود یا قرائن دلالت بر دخول آن در مبیع نماید داخل در بیع و متعلق به مشتری است، اگرچه در عقد صریحاً ذکر نشده باشد و اگرچه متعاملین جاهل بر عرف باشند». به نظر می‌رسد که قرینه در معنای اماره بکار رفته است. یا در ماده‌ی ۴۰۳ ق.م که مقرر می‌دارد «اگر بایع به نحوی از انحاء مطالبه‌ی ثمن نماید و به قرائن معلوم گردد که مقصود التزام به

بیع بوده است خیار او ساقط خواهد شد.» همین اختلاط را در مادگان ۱۶۶، ۶۶۴، ۶۶۷، ۶۷۲، ۷۰۴، ۷۶۶، ۸۵۷ ق.م.و... نیز می‌توان دید.

به نظر می‌رسد که هر جا قانونگذار از واژه‌ی شواهد بهره برده است نیز به معنای امارات می‌باشد^۳ مگر اینکه دلیلی مبنی بر خلاف این باشد. در رای‌های قضایی نیز در بیشتر موارد عبارت قرائن و شواهد کنار هم آورده می‌شود^۴ که به نظر می‌رسد که منظور همان امارات است. در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۱۴ ق.آ.د. ک نیز عبارت‌های قرائن و شواهد کنار هم آمده است

۱. ماده‌ی ۱۶۶ قانون مدنی: اگر کسی در ملک غیر یا ملکی که از غیر خریده مالی پیدا کند یا احتمال بدهد که مال مالک فعلی یا مالکین سابق است باید به آنها اطلاع بدهد اگر آنها مدعی مالکیت شدند و بقرائن مالکیت آنها معلوم شد باید به آنها بدهد و الاً بطریقی که فوقاً مقرر است رفتار نماید.

در واقع مالکیت را با اماره می‌توان اثبات کرد نه با قرینه و قرینه از اجزای تشکیل دهنده‌ی اماره است. ۲. ماده‌ی ۶۶۴: وکیل در محاکمه، وکیل در قبض حق نیست مگر اینکه قرائن دلالت بر آن نماید و همچنین وکیل در اخذ حق، وکیل در مرافعه نخواهد بود.

ماده‌ی ۶۶۷: وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحه باو اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار او است، تجاوز نکند.

ماده‌ی ۶۷۲: وکیل در امری نمی‌تواند برای آن امر بدیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحاً یا بدلالت قرائن وکیل در توکیل باشد.

ماده‌ی ۷۰۴: ضامن مطلق محمول بحال است مگر آنکه بقرائن معلوم شود که مؤجل بوده است. ماده‌ی ۷۶۶: اگر طرفین بطور کلی تمام دعاوی واقعی و فرضیه خود را بصلح خاتمه داده باشند کلیه‌ی دعاوی داخل در صلح محسوب است اگرچه منشاء دعوی در حین صلح معلوم نباشد مگر اینکه صلح بحسب قرائن شامل آن نگردد. ماده‌ی ۸۵۷: موصی می‌تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید. حدود اختیارات ناظر بطریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود.

۳. ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده‌ی ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۴۰۰ - مددکاران اجتماعی مراکز فوریت‌های خدمات اجتماعی بر اساس قرائن و شواهد، میزان، شدت خطر و نوع وضعیت مخاطره‌آمیز یا بزه‌دگی را تشخیص و فوریت مداخله را تعیین و در موارد شدید و قریب‌الوقوع بلافاصله پس از گزارش در سریع‌ترین زمان ممکن اقدام می‌کنند.

۴. برای نمونه در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۸۰۹۹۷۰۳۶۷۳۰۰۷۸۱ - ۲۵/۹/۱۳۹۸ شعبه‌ی دوم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان، ملاحظه‌ی سایر شواهد و قرائن موجود در پرونده آمده است.

۵. تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۱۴ ق.آ.د. ک - در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این

که به نظر می‌رسد منظور از شواهد همان امارات است. در فرانسه در ماده‌ی ۶۵۳ و ۶۵۴ ق.م از واژه‌ی “marque” استفاده شده است که گفته شده همان اماره است. در آرای قضایی نیز می‌توان ملاحظه کرد که به جای اماره از واژه‌ی قرینه بهره برده اند. برای نمونه در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۲۰۳۸۰۵ تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ شعبه‌ی ۳۲ دیوان عدالت اداری مقرر داشته «عدم اجرای رأی مورد اعتراض به مدت هشت سال، خود قرینه‌ی عدم ضرورت اجرای حکم صادره می‌باشد»^۱ و ضمن وارد تشخیص دادن شکایت خواهان بر شهرداری کرج (کمیسیون ماده‌ی صد) به استناد مادگان ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری، رأی مورد شکایت را نقض و به کمیسیون هم‌گون (هم‌عرض) ارجاع داده است. همچنین در دادنامه‌ی ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۱۶۰۰۷۵۸ تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۶ شعبه‌ی ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۲ در موردی که در قرارداد اجاره قید شده بود، باقی مانده‌ی مبلغ ودیعه در زمان تحویل منزل پرداخت می‌شود دادگاه اعلام داشته که «تحويل ملک به مستأجر قرینه‌ای بر دریافت مبلغ پنجاه میلیون تومان باقی مانده بوده» و لذا حکم بر بی‌حقی خواهان صادر کرده است. در این مورد نیز واژه‌ی قرینه به جای اماره بکار رفته است. گاهی هم نیز دادرسان به جای واژه‌ی قرینه از واژه‌ی اماره بهره برده اند. برای نمونه در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۳۰۹۹۸۰۲۰۰۷۰۰۵۱۳ تاریخ ۱۳۹۴/۹/۴ شعبه‌ی ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۳ که اعلام داشته است «نظر پزشکی قانونی در فرض انجام بعنوان یک اماره بوده و نمی‌تواند دلیل متقنی در جهت اثبات ادعا باشد»، این در حالی است که اماره‌ی قضایی بی‌گمان دلیل متقنی برای اثبات ادعا است و به نظر می‌رسد که مراد از اماره در این رأی همان قرینه باشد.

۴. گونه‌های قرینه

قرینه را به اعتبار مقام احراز کننده‌ی آن همانند اماره به قرینه‌ی قانونی و قرینه‌ی قضایی و به اعتبار قوت و درجه‌ی دلالت آن به قرینه‌ی دور و قرینه‌ی نزدیک می‌توان تقسیم کرد. در عین

امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه‌ی قضاییه می‌رسد.

۱. سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/3292>

۲. سامانه ملی آرای قضایی <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/28542>

۳. سامانه ملی آرای قضایی <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/29197>

حال در قوانین گاه از قراین قطعی و یا قراین مثبتی یاد شده که باید منظور از آنها نیز مشخص شود. قرینه‌ها بر خلاف اماره‌ها که گاهی مطلق و تخلف‌ناپذیر^۲ هستند و قابل رد نیستند در همه‌ی موارد نسبی و تخلف‌پذیر و خلاف آنها قابل اثبات^۳ است. بنابراین می‌توان انواع مختلفی از قراین را صورت‌بندی کرد:

۴-۱. قرینه‌ی قانونی و قرینه‌ی قضایی

قرینه‌ی قانونی را می‌توان قرینه‌ای دانست که به موجب قانون جهت کمک به کشف مجهولی به رسمیت شناخته شده است. برای نمونه تبصره‌ی سه ماده‌ی ۲۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز^۴ که انجام جاسازی توسط مالک وسیله‌ی نقلیه را قرینه‌ای بر وحدت قصد وی با مرتکب بزه قاچاق دانسته است، قرینه‌ی قانونی است. زیرا قانونگذار به موجب قانون جاسازی را از مواردی دانسته است که می‌تواند و نه به ناگزیر از موارد وحدت قصد باشد. در حقیقت اگر قانون الزاماً جاسازی را از موارد وحدت قصد دانسته بود در این صورت تبصره‌ی یاد شده از گونه‌ی اماره‌ی قانونی بود. بر خلاف قرینه‌ی قانونی قرینه‌ی قضایی در قانون مشخص نشده و «عبارتست از اوضاع و احوالی که بر پایه‌ی تجربه یا علم در قاضی ایجاد تردید و شک

۱. در ماده‌ی ۱۳۵۴ کد مدنی فرانسه (۲۰۱۶) و قانون اثبات هند نیز اماره مختلط آورده شده است که به نظر می‌رسد در مورد قرینه‌ها منتفی است. در هند خودکشی زنان متأهل شایع است و سپس نیز توسط خانواده زوجه دعوی آزار و تحریک زوجه به خودکشی علیه زوج یا خانواده او مطرح می‌شود. ۴۵ درصد این خودکشی‌ها مربوط به پنج سال اول زندگی است و ۶۳ درصد این آزارها مربوط به جهیزیه است. از این رو برابر ماده‌ی ۱۱۳ قانون ادله‌ی اثبات هند آورده شده که در مواردی که مسئله‌ی مطرح شده این باشد که آیا خودکشی یک زن با معاونت شوهر یا هر یک از بستگان شوهر وی صورت گرفته است، و ثابت شود که خودکشی در مدت هفت سال از تاریخ ازدواج وی رخ داده است و شوهر یا بستگان مذکور شوهر، او را مورد آزار قرار داده باشند، دادگاه می‌تواند با توجه به سایر شرایط پرونده، این اماره را بپذیرد که خودکشی مذکور با معاونت شوهر یا بستگان وی انجام شده است.

۲ Ir-rebuttable Presumption (praesumptio iuris et de iure)/ conclusive presumption, Présomption irréfragable.

۳ Rebuttable Presumptions (praesumptio iuris tantum)/ Présomption simple.

۴. تبصره‌ی ۳: در صورتی که وسیله‌ی نقلیه، متعلق به شخصی غیر از مرتکب حمل کالا یا ارز قاچاق باشد و از قراینی از قبیل سابقه‌ی مرتکب یا جاسازی ثابت شود با علم و اطلاع مالک وسیله‌ی نقلیه برای ارتکاب حمل کالا یا ارز قاچاق در اختیار حامل قرار گرفته است یا مالک پس از علم و اطلاع داشتن امکان اقدام بازدارنده به عمل نیاورده باشد، مالک به عنوان معاون در حمل محسوب و جریمه‌ی نقدی موضوع این ماده به جریمه‌ی نقدی مالک نیز اضافه می‌شود.

می‌کند و عامل و محرک قاضی است در کشف مجهول و قدرت اثباتی آن برحسب اوضاع و احوال مختلف می‌باشد». برای نمونه در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۸۰۹۹۷۸۶۱۷۹۰۰۰۴۳ - ۲۰/۹/۱۳۹۸ شعبه‌ی دوم دادگاه کیفری یک استان مرکزی برای اثبات رشد و کمال عقلی متهم به قتل که نزدیک به ۱۸ سال سن داشته چند قرینه مورد توجه قرار گرفته است؛ «از سویی محکوم‌علیه در این دادگاه و همچنین در تحقیقات اولیه در زمان وقوع جرم اذعان داشته که در روز وقوع قتل به همراه تعدادی از دوستان و بستگان در حال کار کردن و برداشت محصول جو بوده اند و کار برداشت محصول را کنترات برداشته بودند ... که این امر بیانگر این موضوع است که با توجه به اینکه متهم در زمان وقوع جرم نزدیک به ۱۸ سال داشته و کار برداشت محصول را کنترات برمی‌داشته به مثابه‌ی کارگران بزرگسال، مسئولیت‌پذیر بوده و به کسب و کار اشتغال می‌ورزیده و با توجه به همین امر و همچنین با توجه به نحوه و کم و کیف بیان وقوع قتل و بیان انگیزه و جزئیات آن از سوی محکوم‌علیه و دیگر قرائن و امارات احصاء شده که جملگی همسو با نظریه‌ی پزشکی قانونی است، در رشد و کمال عقلی محکوم‌علیه در زمان وقوع بزه برای این دادگاه شبهه‌ای حاصل نیست».

۴-۲. قرینه‌ی قطعی

در مواردی قانونگذار عبارت قرینه‌ی قطعی را بکار گرفته است. از آنجایی که قرینه‌ها موجب قطع و یقین معقول نمی‌شوند و حتی ایجاد ظن معتبر معقول^۱ نمی‌کنند و تنها ایجاد شک یا تردید ایجاد می‌کنند می‌توان گفت مقصود قانونگذار از قرینه‌ی قطعی، همان اماره می‌باشد. در ماده‌ی ۱۷۴۱ مجله الاحکام العدلیه که قانون دولت عثمانی بود و بر اساس فقه مذهب حنفی نوشته شده در تعریف قرینه‌ی قطعی آمده است که «القرینه القاطعه هی الاماره البالغه حد الیقین...» و مثالی که برای آن توسط یکی از شارحان آورده شده از این قرار است که چنانچه شخصی از خانه‌ای خالی از سکنه در حالی که بسیار ترسان و در دست وی چاقوی آغشته به خون باشد مشاهد شود و بلافاصله وارد منزل شویم و جسدی را ملاحظه کنیم در این صورت نباید شک کرد که قاتل همین شخص است و به احتمالات نباید وقعی نهاد. ^۲در

^۱ Une probabilité raisonnable.

^۲ به نقل از: (اصول المحاکمات الشرعیه، ص ۶۰۱).

فرانسه نیز در بند دوم ماده‌ی ۳۲۳ ق.م تا پیش از اصلاحات سال ۲۰۱۶ عبارت indices assez graves بکار رفته بود. اما در اصلاحات سال ۲۰۱۶ حذف شد.

۴-۳. قرینه‌ی مثبت

قانونگذار در مواردی از اصطلاح قرینه مثبت بهره برده است. برای نمونه در ماده‌ی ۲۰۹ ق.آ.د.م مقرر داشته «هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین است نزد طرف دیگر باشد، به درخواست طرف، باید آن سند ابراز شود. هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن امتناع نماید، دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائن مثبت بداند». همچنین برابر ماده‌ی ۲۱۰ ق.آ.د.م «چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود. در صورتی که ابراز دفاتر در دادگاه ممکن نباشد، دادگاه شخصی را مأمور می‌نماید که با حضور طرفین دفاتر را معاینه و آنچه لازم است خارج‌نویسی نماید. هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه‌ی دفتر خود امتناع کند، مگر اینکه ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد. هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قرائن مثبت اظهار طرف قرار دهد».

به نظر می‌رسد که قرینه در اینجا در معنای حقیقی خود بکار رفته و از آن رو که ارائه نکردن دفتر بازرگانی یا ارائه‌ی سندی الزاماً به معنای حقانیت طرف دیگر نیست لذا دادرس

article 323:A défaut de titre et de possession d'état, ou si l'enfant a été inscrit, soit sous de faux noms, soit sans indication du nom de la mère, la preuve de la filiation peut se faire par témoins. La preuve par témoins ne peut, néanmoins, être admise que lorsqu'il existe, soit un commencement de preuve par écrit, soit des présomptions ou indices assez graves pour en déterminer l'admission. Article 323 (09/01/1993):A défaut de titre et de possession d'état, ou si l'enfant a été inscrit, soit sous de faux noms, soit sans indication du nom de la mère, la preuve de la filiation ne peut être judiciairement rapportée que s'il existe des présomptions ou indices assez graves pour en déterminer l'admission. Article 323(01/07/2006)Les actions relatives à la filiation ne peuvent faire l'objet de renonciation.
https://www.dalloz.fr/documentVersions?productCode=CCIV&docEtiqu=CODE_CCIV_ARTI_323&versionId=LEGIARTI000006425155.

اختیار دارد که با لحاظ سایر قرائن و با بررسی همه‌ی جنبه‌های امر تصمیم‌گیری کند و از این رو ارائه نکردن دفتر قرینه‌ی قانونی نزدیک است که با در کنار گرفتن قرینه‌ی دیگری مانند غیرموجه بودن توضیح ارائه شده در مورد ارائه نکردن سند یا دفتر بازرگانی می‌تواند به اماره ارتقاء مقام یابد. همچنین سرباز زدن از آزمایش اعتیاد یا دی ان ای در دعوا نیز با ملاحظه‌ی سایر اوضاع و احوال پرونده می‌تواند قرینه یا اماره باشد. در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۲۰۰۳۰۲ تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ شعبه‌ی ۲۲ دیوان عالی کشور^۱ در دعوی نفی نسب که طرح شده و برابر آن خواهرزاده‌های شخصی به نام مرحوم ع.ن. اعلام داشته اند که دایی آنها در سال ۱۳۸۹ فوت شده است و آن مرحوم سرپرستی شخصی بنام الف.ن. را به عنوان فرزندخوانده سرپرستی کرده اند. خوانده از آزمایش دی ان ای سرباز زده است و در نظر دادرسان دادگاه نخستین^۲ و تجدیدنظر^۳ این امر به عنوان قرینه‌ی قویه مبنی بر درست بودن اظهارات خواهان‌ها تلقی شده است، اما دادرسان دیوان عالی کشور این قرینه‌ی قویه را در حد اماره‌ی قضایی ندانسته اند و رأی در نهایت با استدلال‌های مختلف از جمله درک تفاوت قرینه‌ی قویه از اماره نقض شده است.^۳

۴-۴. قرینه‌ی دور و قرینه‌ی نزدیک و شیوه‌ی شناسایی آنها

بسته به ارزش اثباتی قرینه می‌توان آن را به قرینه‌ی دور یا قرینه‌ی نزدیک تعبیر کرد. در حقیقت اگر شدت دلالت قرینه بر کشف واقع ضعیف باشد، آن قرینه‌ی دور می‌باشد و اگر دلالت قرینه بر کشف واقع قوی‌تر باشد، قرینه‌ی نزدیک می‌باشد. در مثال گفته شده در مورد ضارب که پیش‌تر آمد چنانچه ب و ج از میان طایفه‌ای باشند که بر مبنای فرهنگ محلی و طایفه‌ای عصبيت میان آنها زیاد و شدید است خود همین عصبيت می‌تواند یک قرینه‌ی دور باشد. در نتیجه حتی نوع فرهنگ اجتماعی نیز می‌تواند به عنوان قرینه (چه دور و نزدیک) مطرح شود و برای شناسایی قرینه‌ها و اماره‌ها جامعه‌شناسی یا تجربه‌های بشری یا رسوم و سنن نیز کمک کننده است.

۱. شعبه‌ی سوم دادگاه حقوقی همدان، دادنامه‌ی شماره‌ی ۷۱۴-۹۱/۵/۲۸.

۲. شعبه‌ی ۴ دادگاه تجدیدنظر استان همدان، دادنامه‌ی شماره‌ی ۸۰۹-۹۱/۷/۲۹.

۳. سامانه‌ی ملی آرای قضایی <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/29197>

شغل شخصی نیز می‌تواند به عنوان قرینه مطرح شود. در پرونده‌ی قبل اگر شخص ب در صحنه‌ی حضور داشته باشد اما وزیر یا سفیر یا چهره‌ی علمی باشد، صرف حضور وی و مشاهده‌ی کتک خوردن برادرش توسط دیگری نمی‌تواند قرینه‌ی دور بر دخالت وی در صحنه‌ی جرم به حساب آید. بلکه خود قرینه‌ای بر عدم دخالت به حساب می‌آید. بنابراین در تعیین قرینه بر حسب مورد نوع بزه صورت گرفته، شغل، جایگاه اجتماعی و سیاسی، فرهنگ، سابقه، زمان و مکان وقوع بزه، و... مؤثر است و ضابطه‌ی کلی نمی‌توان به دست داد. برای نمونه چنانچه بزه سرقت وجه نقد به میزان یک میلیون تومان به شخصی که از ثروتمندان و خیرین می‌باشد نسبت داده شود، این امر قرینه‌ای بر عدم ارتکاب جرم توسط وی می‌باشد. همچنین خصوصیات اخلاقی و رفتاری اشخاص و نیز سابقه‌ی اشخاص به ارتکاب جرم می‌تواند به عنوان قرینه مطرح شود اما صرف سابقه‌ی کیفری نمی‌تواند اماره بر ارتکاب جرم باشد. برای نمونه شخصی که سابقه‌ی کیفری به چند مورد سرقت دارد چنانچه اتهام سرقت علیه او مطرح شود سابقه می‌تواند قرینه‌ای دور بر ارتکاب بزه سرقت توسط وی باشد و نه اماره. در رویه‌ی قضایی در رسیدگی به پرونده‌های سرقت، اعتیاد به مواد مخدر به همراه بی‌بضاعتی شخص و پیشینه‌ی محکومیت کیفری سرقت به عنوان قرینه‌های دور در نظر گرفته می‌شود هر چند که پیشینه‌ی محکومیت کیفری در برخی موارد در نظر قانونگذار گویی قرینه‌ی قانونی نزدیک مبنی بر ارتکاب بزه است. برای نمونه در تبصره‌ی ۳ الحاقی ۱۴۰۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر شده «در صورتی که وسیله‌ی نقلیه، متعلق به شخصی غیر از مرتکب حمل کالا یا ارز قاچاق باشد و از قرائنی از قبیل سابقه‌ی مرتکب یا جاسازی ثابت شود با علم و اطلاع مالک وسیله‌ی نقلیه برای ارتکاب حمل کالا یا ارز قاچاق در اختیار حامل قرار گرفته است یا مالک پس از علم و اطلاع داشتن امکان اقدام بازدارنده به عمل نیآورده باشد، مالک به عنوان معاون در حمل محسوب و جریمه‌ی نقدی موضوع این ماده به جریمه‌ی نقدی مالک نیز اضافه می‌شود». یا برابر ماده‌ی ۲۳ همین قانون مقرر شده «در مواردی که کالای قاچاق مکشوفه مشمول شرایط بندهای (پ) و (ت) ماده‌ی (۲۲) گردد وسیله‌ی نقلیه مورد استفاده در قاچاق کالای مزبور، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، ضبط می‌شود:

الف - وسیله‌ی نقلیه‌ی مورد استفاده، متعلق به شخص مرتکب قاچاق باشد.

ب- با استناد به دلایل یا قرائن از جمله سابقه‌ی مرتکب و یا مالک وسیله‌ی نقلیه در امر قاچاق، ثابت شود که مالک وسیله نقلیه عامداً، آن را جهت استفاده برای حمل کالای قاچاق در اختیار مرتکب قرار داده است».

۵. اصول حاکم بر اثبات از راه قرینه

در فرانسه دو اصل را حاکم بر اثبات از راه اماره دانسته اند که همین را در مورد قرینه نیز می‌توان پیاده‌سازی کرد:

الف- تنها قانونگذار حق ایجاد اماره‌ی قانونی را دارد. این اصل در فرانسه بدین گونه بیان می‌شود که بدون حکم قانون اماره‌ی قانونی وجود ندارد.^۱ با این همه رویه‌ی قضایی در مواردی اماره ایجاد کرده است. برای نمونه در دعوی فرجام‌خواهی که شرکت Jige international بر شرکت Depanoto مطرح کرده بود و خواستار شکستن رأی صادره از دادگاه پواتیه^۲ شده بود، شعبه‌ی تجاری دیوان عالی کشور با این استدلال که فروشنده‌ی حرفه‌ای فرض می‌شود که به عیوب پنهانی کالای خود آگاه است،^۳ دعوی فرجام‌خواهی را رد کرد. در این مورد شعبه‌ی تجاری با وجود آنکه این اماره در قانون نیامده بود خود اماره‌ای را آفرید.

ب- تفسیر مضیق اماره‌ی قانونی.^۴ منظور از تفسیر مضیق آن است که یک حکم صریح قانونی گسترده‌تر یا بسته‌تر از آنچه مقرر شده تفسیر نشود. اماره‌های قانونی از آن رو که استثناء

^۱ “pas de présomption légale, sans texte”.

Statuant tant sur le pourvoi principal formé par la société Jige international que sur le pourvoi incident relevé par la société Depanoto.

^۲ Décision attaquée: Cour d'appel de Poitiers, du 30 janvier 2018.

^۳ Alors que le vendeur professionnel est présumé connaître les vices de la chose vendue, la cour d'appel a violé le texte susvisé ; PAR CES MOTIFS : Sur le pourvoi principal : Le REJETTE.

Cour de cassation - Chambre commerciale, N° de pourvoi: 1814.502, ECLI: FR: CCASS: 2019: CO00833, Non publié au bulletin, Solution.

<https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000039419196>.

^۴ principe d'interprétation stricte

هستند و برابر قاعده، استثناء باید مورد تفسیر مضیق قرار گیرد^۱ تنها در موضع نص باید تفسیر شوند.^۲

۶. ارزش اثباتی قرینه در مرحله‌های مختلف دادرسی

در اینکه اماره‌ی قانونی و قضایی به عنوان دلیل اثباتی پذیرفته شده است تردیدی نیست، اما دادرسان در رسیدگی‌های خود به مرور به این نتیجه می‌رسند که پایین‌تر از اماره نیز اوضاع و احوالی است که در اینکه آن امور می‌توانند ارزش اثباتی داشته باشند به تردید می‌افتند، این اوضاع و احوال که از ارتباط امور در بیرون برای مقام رسیدگی کننده در ذهن پدیدار می‌شود، تا چه میزان، می‌تواند محل اعتنا باشد؟

به نظر می‌رسد که با اماره‌ی قضایی برای مقام رسیدگی کننده علم حاصل نمی‌شود و قاضی بر اساس احتمال عقلایی حکم صادر می‌کند و مقام قرینه‌ها پایین‌تر از اماره می‌باشد و در نتیجه به طریق اولی با قرینه‌ها چه قرینه‌های دور و نزدیک و قانونی، علم برای قاضی حاصل نمی‌شود. در حقیقت دلالت اماره بر وجود حق یا نبود حق بیشتر از قرینه‌ها می‌باشد. اما در عین حال باید تفاوت ظریفی میان ارزش اثباتی قراین در مراحل مختلف رسیدگی و در انواع جرایم قایل شد. در حقیقت ارزش قراین در دادرسی مدنی و دادرسی کیفری و مراحل مختلف رسیدگی به جهت طبع و اقتضای هر مرحله متفاوت می‌باشد. از همین رو، ارزش متفاوت اثباتی قرینه را در مرحله‌ی کشف و تعقیب و در مرحله‌ی تحقیق و مرحله‌ی دادرسی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۶-۱. مرحله‌ی کشف و تعقیب

در مرحله‌ی کشف و تعقیب همین اندازه که ظن معقولی به کشف بزه و ارتکاب بزه وجود داشته باشد تعقیب باید شروع شود (مادگان ۴۳، ۴۴، ۶۵، ۶۷، و...ق.آ.د.ک). از همین رو

^۱ Martin Lebeau, De l'interprétation stricte des lois: Essai de méthodologie, Thèse de doctorat, Pierre-Yves Gautier, Paris 2, (2007), P Résumé.

^۲ "exceptio est strictissimae interpretationis".

استنباطی که از ماده‌ی ۶۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ وجود دارد این است که حتی اگر دلیلی وجود نداشته باشد وجود قرائن برای شروع به تحقیق کفایت می‌کند و برابر مفهوم مخالف ماده‌ی ۴۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ هرگاه قرینه‌ای بر وقوع جرم وجود داشته باشد که مورد تردید نباشد ضابطان شروع به رسیدگی می‌کنند و اگر قرینه مورد تردید باشد ضابطان «... باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند». چنانچه جرم مشهود باشد حتی با استناد قرینه ضابطان می‌توانند متهم را دستگیر کنند (فرود ماده‌ی ۴۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲) برای نمونه چنانچه شخص معتادی که سابقه‌ی محکومیت به سرقت دارد با موتورسیکلت دارای پلاک مخدوش در شب در کنار ساختمانی در حال ساخت در حالی که مقداری وسیله در دستان وی می‌باشد مشاهده شود، مأموران نیروی انتظامی می‌توانند وی را دستگیر و به مرجع انتظامی دلالت کنند.

باید توجه داشت که حتی با وجود قرینه‌ای قوی یا اماره‌های قوی ارتکاب بزه ضابطان نمی‌توانند بدون کسب مجوز از مقام صلاحیتدار قضایی نسبت به بازرسی اماکن و محل‌های خصوصی و کشف بزه اقدام کنند و باید به نص معقول ماده‌ی ۱۳۷ ق.آ.د.ک به عنوان یک قاعده‌ی مهم در همه احوال گردن نهاد. برابر این ماده «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله‌ی وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود». این باور به خوبی توسط ماده‌ی ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تقویت می‌شود. در حقیقت برابر ماده‌ی ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که اختیارات بیشتری به نسبت دیگر قانون‌ها در اختیار ضابطان گذاشته نیز مقرر شده «در صورت دلالت قرائن و امارات قوی بر وجود کالا و یا ارز قاچاق، ضابطین می‌توانند پس از کسب مجوز بازرسی از مرجع صالح رسیدگی کننده به انبارها و اماکن و

۱. ماده‌ی ۶۷ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸: گزارش‌ها و نامه‌هایی را که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آن‌ها مشخص نیست، نمی‌توان مبنای شروع به رسیدگی قرار داد مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی است یا دارای قرائنی باشد که به نظر قاضی برای شروع به تحقیق کفایت نماید.

مستغلات محل اختفاء یا نگهداری کالا و یا ارز قاچاق وارد شوند و حتی المقدور با حضور صاحب محل نسبت به بازرسی محل و کشف قاچاق اقدام نمایند و حسب مورد جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع دهند». هر چند در خصوص خودرو به نظر می‌رسد که در عمل و در برخی متن‌های قانونی ضابطان و قانونگذار راه متفاوتی رفته است، از همین رو در ماده‌ی ۴۲ مکرر (الحاقی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰) به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر شده که «متوقف نمودن و بازرسی وسایل نقلیه‌ای که ظن قوی به حمل کالا یا ارز قاچاق یا ارتکاب قاچاق کالا یا ارز در مورد آن‌ها وجود دارد، از سوی ضابطین نیاز به اذن موردی مقام رسیدگی کننده ندارد».

۶-۲. مرحله‌ی تحقیق

پرسش این است که آیا بازپرس به استناد قرینه می‌تواند تفهیم اتهام کند و قرار تأمین متهم را صادر کند؟ آیا به استناد قرینه می‌تواند متهم را ۲۴ ساعت تحت نظر نگه داشت؟ و یا آنکه متهم باید بلا قید آزاد شود؟ به نظر می‌رسد که در صورت وجود جهات قانونی تعقیب امکان تحت نظر قرار دادن متهم وجود دارد. برای مثال برای تفهیم اتهام بزه سرقت باید تعلق مال به غیر اثبات شود و در صورت ظن قوی به مسروقه بودن اموال جهت کشف حقیقت و شناسایی مالک، بازپرس می‌تواند بر مبنای قرینه‌هایی مانند سابقه‌ی متهم، اوضاع و احوال مالی متهم، زمان و مکان بزه و ... متهم را ۲۴ ساعت تحت نظر نگه دارد. زیرا قرائن و لزوم توجه به اصل امنیت در حدی است که جنبه‌هایی از اصل برائت برای اندک زمانی تحت تأثیر قرار گیرد تا دلیل برای توجه و تفهیم اتهام به متهم فراهم شود. اما در خصوص تفهیم اتهام به جهت لزوم اثبات تعلق اموال به غیر و احتمال بازداشت طولانی ناشی از قرار تأمین و انگشت‌نگاری از متهم در بدو ورود به زندان و لحاظ اصل برائت و آزادی‌های مشروع نمی‌توان نسبت به تفهیم اتهام متهم اقدام کرد. در حقیقت ۲۴ ساعت تحت نظر نگه داشتن متهم در صورت وجود قرینه‌هایی مبنی بر ارتکاب بزه با اصل برائت منافات ندارد و در راستای اصل امنیت قابل توجه است. اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده‌ی ۳۴ و ماده‌ی ۱۸۹ ق.آ.دک نیز تحت نظر قرار گرفتن متهم حداکثر به مدت ۲۴ ساعت در صورت عدم امکان تحقیق را از همین رو تجویز کرده است.

در مرحله‌ی تحقیق بازپرس تنها بر پایه‌ی قرینه‌هایی که ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله‌ی وقوع جرم در آن وجود دارد و با ذکر قرینه‌ها می‌تواند دستور تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء را صادر کند (ماده‌ی ۱۳۷ ق.آ.د.ک) و نیز در مواردی که «در مورد جرایم تعزیری درجه‌ی پنجم و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود» بازپرس می‌تواند بدون آنکه ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند (ماده‌ی ۱۸۰ ق.آ.د.ک). همچنین برابر ماده‌ی ۲۳۷ ق.آ.د.ک بازپرس بر مبنای «قرائن کافی» می‌تواند قرار بازداشت موقت صادر کند. به نظر می‌رسد که در این صورت دست کم باید قرینه‌ی نزدیک وجود داشته باشد و بازپرس بر مبنای قرینه‌ی دور نمی‌تواند قرار بازداشت موقت صادر کند. همچنین برابر ماده‌ی ۱۱۴ ق.آ.د.ک بازپرس بر مبنای «قرائن معقول» می‌تواند از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتي، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجارتي و تعاونی‌ها و مانند آن، که حسب قرائن معقول و ادله‌ی مثبت، ادامه‌ی این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد جلوگیری کند. به نظر می‌رسد که منظور از قرائن معقول در این ماده اماره می‌باشد. در حقیقت با توجه به ممنوعیت صدر ماده که مقرر می‌دارد «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتي، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجارتي و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است مگر...» قرینه‌ی معقول در این ماده را باید حمل بر اماره کرد. هرچند که در مواردی دیگر مانند ماده‌ی ۳۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹^۱ که عبارت قرینه‌ی معقول بکار رفته است، با توجه به حساسیت حمایت از اطفال و نوجوانان باید حمل بر معنای حقیقی آن یعنی قرینه کرد.

۱. ماده‌ی ۳۰- علاوه بر جهات قانونی برای شروع به تعقیب موضوع قانون آیین دادرسی کیفری، موارد زیر نیز از جهات قانونی برای شروع به تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی مقرر در این قانون می‌باشد:

الف- تقاضای طفل و نوجوان؛

ب- گزارش‌ها و درخواست‌های مکتوب یا شفاهی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آن‌ها مشخص نیست در صورتی که دارای قرائن معقول و متعارف باشد.

همچنین قرینه در صدور قرار اناطه در دادرسی کیفری می‌تواند بکار آید. در بیشتر موارد یکی از فن‌های دفاع متهمان در پرونده‌ها طرح دفاعی است که منجر به صدور قرار اناطه شود تا بدین وسیله برای خود زمان بیشتری بخرند یا دامنه‌ی زمانی انتفاع خود از عمل مجرمانه را گسترده‌تر کنند. از همین رو در ماده‌ی ۱۳۳ قانون مالکیت صنعتی مصوب یکم خرداد ۱۴۰۳ خورشیدی صدور قرار اناطه منوط به وجود قرائن و امارات قابل قبول شده است. که با توجه به اینکه بدون دادرسی و طرح دعوا کشف حقیقت امکان‌پذیر نیست، به نظر می‌رسد که وجود دست‌کم یک قرینه‌ی نزدیک یا چند قرینه‌ی دور نیز از موارد صدور قرار اناطه می‌تواند باشد. همچنین برابر همین ماده اگر بیم تأمین نشدن خسارات وارد بر شاکی وجود داشته باشد دادگاه (مرجع قضایی) می‌تواند از متهم تأمین مناسب را بگیرد که اثبات این بیم با کمک قرائن مقدور است.

در دادرسی مدنی نیز قرائن هرچند به تنهایی نمی‌تواند از موارد صدور حکم بر محکومیت باشد اما در مواردی مانند ابلاغ قرار تأمین خواسته همزمان یا پیش از اجرا (ماده‌ی ۱۱۷ ق.آ.د.م) قرینه‌ی نزدیک می‌تواند ملاک عمل باشد. همچنین در مواردی مانند وجود احتمال ضرر قانونگذار اجازه داده است که دادگاه قرار توقف اجرای رأی را صادر کند. برای نمونه در ماده‌ی ۲۳ قانون صدور چک در راستای نظریه‌ی «دادرسی تسریع شده» دادگاه می‌تواند مستقیماً و بدون صدور رأی اجرائیه علیه صادرکننده‌ی چک صادر کند و «... اگر صادرکننده یا قائم مقام قانونی او دعاوی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا دیگر جرائم در مراجع قضائی اقامه کند، اقامه‌ی دعوی مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد؛ مگر در مواردی که مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای سند مذکور ضرر جبران‌ناپذیر وارد شود که در این صورت با أخذ تأمین مناسب، قرار توقف عملیات اجرائی صادر می‌نماید...»، به نظر می‌رسد که جهت صدور دستور توقف عملیات اجرایی در این نمونه وجود یک قرینه‌ی نزدیک کفایت می‌کند. همچنین برابر ماده‌ی پنج قانون قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ «در صورتی که دادگاه دلائل شکایت را قوی بداند یا در اجراء سند رسمی ضرر جبران‌ناپذیر باشد به درخواست مدعی بعد از گرفتن تأمین قرار توقیف عملیات اجرایی را می‌دهد...».

۶-۳. مرحله‌ی دادرسی

در دادرسی کیفری به نظر می‌رسد که در جرایم حدی سیاست جنایی اسلام مبنی بر ستر و پوشش این گونه جرایم است و از همین رو در اثبات حدود سخت‌گیری شده است و از سویی حدود با هر دلیلی اثبات نمی‌شود و کیفیت و کمیت اثبات دلیل در حدود نیز با دیگر جرایم متفاوت است. برای نمونه برخی حدود با دو اقرار یا چهار اقرار به اثبات می‌رسد و در برخی از حدود تا لحظه‌ی اجرای حکم شخص می‌تواند بر خلاف قاعده‌ی «انکار پس از اقرار شنیدنی نیست» اقرار خود را انکار کند.^۱ بنابراین در حدود حتی با قرینه‌ی نزدیک هم نمی‌توان اقدام به سلب آزادی اشخاص کرد چه برسد به صدور حکم به مجازات؛ از همین رو به درستی گفته شده که بارداری زن بدون شوهر دلالتی بر زنا ندارد چرا که ممکن است ناشی از وطی به شبهه یا تجاوز به زور باشد و نیز با استشمام و بویش الکل از دهان یا سرمستی که قرینه‌ی نزدیکی بر خوردن خمر می‌کند، بزه شرب خمر به اثبات نمی‌رسد. در حقیقت هر چند در عمل مأموران نیروی انتظامی فرد را دستگیر می‌کنند و در گزارش نیز قید می‌کنند که بوی الکل از دهان وی به مشام می‌رسید اما با باید توجه داشت که با قرینه و حتی به باور

۱. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ماده‌ی ۱۷۲- در کلیه‌ی جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است: الف- چهار بار در زنا، لواط، تفریح و مساحقه ب- دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد. تبصره‌ی ۱- برای اثبات جنبه‌ی غیر کیفری کلیه‌ی جرائم، یکبار اقرار کافی است. تبصره‌ی ۲- در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود. ماده‌ی ۱۷۳- انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد.

ماده‌ی ۱۹۹- نصاب شهادت در کلیه‌ی جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفریح و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنای موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هر گاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است.

ماده‌ی ۲۰۸: حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می‌گردد.

برخی فقها^۱ با علم بین قاضی نیز مجازات حدی به اثبات نمی‌رسد.^۲ در رویه‌ی قضایی نیز در دادنامه‌های متعددی گفته شده که شرب خمر حتی با الکل سنج و اظهارنظر پزشکی قانونی مبنی بر وجود الکل در خون نیز به اثبات نمی‌رسد.^۳ به نظر می‌رسد که افزون بر حدی بودن شرب خمر عمدی بودن این بزه نیز در این امر دخیل است. زیرا حتی اگر شخص شرب خمر کرده باشد و الکل سنج نیز همین امر را تأیید کند به منزله‌ی اثبات عامد بودن شخص در شرب مشروب به عنوان بزه عمدی نیست.

به عنوان یک قاعده‌ی عمومی می‌توان گفت که هر چند حدود با قرینه به اثبات نمی‌رسند اما با توجه به ماده‌ی ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حدود با شک و تردید (قرینه‌ی نزدیک) قطعاً ساقط می‌شوند. در حقیقت قرینه‌ی نزدیک موجب ایجاد شبهه برای از بین رفتن حدود می‌شود و از سویی علم قاضی هنگامی می‌تواند مستند قرار گیرد که «علم بین» باشد و با شبهه شرط «بین» بودن علم محقق نمی‌شود. از همین رو، در ماده‌ی ۲۴۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد «هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که مشخص گردد منظور کذب نبوده است، حد ثابت نمی‌شود»، چهره‌ای از همین قاعده‌ی عمومی است.

اما به نظر می‌سد که قانونگذار با توسعه‌ی مفهوم شبهه برابر ماده‌ی ۲۱۸ ق.م.ا. در جرایم غیر از افساد فی الارض، محاربه و جرایم منافی عفت همراه با اکراه، عنف، ربایش و اغفال، سایر مجازات‌های حدی حتی با قرینه‌ی دور (حدس و احتمال ضعیف) نیز از بین می‌روند و

۱. بنگرید شیخ طوسی، المبسوط فی الفقه الامامیه، ج ۸، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۲. «و أما اقامته بعلمه فقد ثبت عندنا أن للحاکم أن يحکم بعلمه فيما عدا الحدود و فی أصحابنا من قال: و کذلک فی الحدود، و فی الناس من قال مثل ذلک علی قولین». در مورد صدور حکم به حد زنا به علم قاضی به باور ما تنها در غیر حدود الهی (حق الناس) می‌تواند به علم خود حکم صادر کند. البته در میان فقهای امامیه هستند کسانی که که قائل به صدور حکم در حدود بر مبنای علم قاضی هستند و نیز در میان فقهای عامه نیز چنین است».

۲. بنگرید مادگان ۲۱۱ و ۲۱۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲.

۳. شعبه‌ی ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۵۲۰۱۴۸۸ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۵ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/33501>.

شعبه‌ی ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۰۵۵۹ به تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۰ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/8024>.

شعبه‌ی ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۵۸۰۰۴۲۳ به تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۵ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/23315>.

ساقط می‌شوند. از همین رو در این حدود «هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود». اما «در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است».

در باب جنایات بر نفس و بر عضو قرینه‌ی نزدیک از موارد تحقق لوٹ می‌تواند باشد. برابر ماده‌ی ۳۱۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ «لوٹ عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه‌ی ارتکاب از جانب متهم می‌شود».

در دادرسی مدنی و اداری نیز قرینه هنگامی می‌تواند موجب پذیرش ادعای مدعی شود که موجب شکل‌گیری اماره شود و لذا یک قرینه‌ی قضایی به تنهایی نمی‌تواند مبنای اثبات ادعای مدعی باشد مگر آنکه دو یا چند قرینه تشکیل اماره‌ی قضایی دهند.

۷. مقام احرازکننده‌ی قرینه

قرینه ممکن است توسط خود قاضی استنباط شود یا توسط کارشناس که در این صورت نظر کارشناسی دلیل یا اماره تلقی نمی‌شود و ارزش قرینه را دارد. همچنین قرینه در هنگام رجوع به داوری ممکن است توسط داور احراز شود زیرا داور آزادانه صلاحیت ارزیابی دلایل را دارد. همچنین در پرونده‌های ثبتی نیز به کرات توسط مأموران ثبتی جهت تطبیق حدود ثبتی از قرائن دور و نزدیک استفاده می‌شود. برای نمونه در نشانه‌هایی که در پرونده‌ی ثبتی ذکر شده است با توجه به گذشت مدت بسیار زیاد از تحریر حدود و تغییرات محیط اکنون با مشکل مواجه می‌باشند و لذا براساس قرائنی همچون کوره‌راه‌ها و سنگ‌چین‌های قدیمی مأموران ثبتی حدود ثبتی را احراز و پیاده می‌کنند. همچنین در رسیدگی‌های پلیسی و امنیتی از قرینه که معمولاً از آن به عنوان «سرنخ» یاد می‌شود استفاده می‌شود. به طور کلی در هر جا که شخصی با تصمیم‌گیری راجع به موضوعی مواجه می‌باشد از قرینه ممکن است استفاده کند.

۸. تعارض قرینه با دیگر شیوه‌های اثبات دعوا

۸-۱. تعارض قرینه با قرینه و اماره

چنانچه قرینه‌های متعددی در یک دعوا وجود داشته باشند قرینه‌ها باید همسو باشند. بنابراین هرگاه قرینه‌ای با قرینه‌ای هم‌وزن خود تعارض پیدا کند هر دو ساقط می‌شوند. بنابراین اگر قرینه‌ی دور با قرینه‌ی دور یا قرینه‌ی نزدیک با قرینه‌ی نزدیک تعارض پیدا کند هر دو ساقط می‌شوند. اما اگر قرینه‌ی دور یا قرینه‌ی نزدیک متعدد باشد تنها همان قرینه‌ای که تعارض پیدا نموده از اثر می‌افتد و سایر قراین دور یا نزدیک به اعتبار خود باقی می‌مانند. در صورت تعارض قرینه‌ی دور با قرینه‌ی نزدیک، قرینه‌ی نزدیک حاکم می‌شود زیرا دلالت آن بیشتر از قرینه‌ی دور می‌باشد.

در صورت تعارض قرینه‌ی دور یا نزدیک با اماره‌ی قضایی باید دو نکته‌ی عمده را مدنظر داشت؛ نخست آنکه تشخیص قرینه‌ی نزدیک از اماره امری ساده نیست بلکه بسته به تجربه‌ی قضایی و اجتماعی و آشنایی قاضی با فنون یک حرفه و سیر روند اداری یک موضوع و شرایط و اوضاع و احوال پرونده متفاوت است. برای نمونه سرباززدن خواننده از دادن گواهی پزشکی قانونی در یک پرونده در مرحله‌های مختلف دادرسی در نظر برخی از دادرسان قرینه بوده است و در نظر برخی اماره. دوم آنکه پس از تشخیص در تعارض این دو اماره‌ی قضایی حاکم می‌شود زیرا دلالت عقلی و عرفی اماره‌ی قضایی بر حقیقت بیشتر است. همچنین در صورت تعارض قرینه‌ی قضایی نزدیک با اماره‌ی قانونی نیز اماره‌ی قانونی مقدم می‌شود. به نظر می‌رسد که در تعارض قرینه‌ی دور با اصول عملیه اصول عملیه حاکم می‌شود. زیرا قرینه‌ی دور در حکم نبودن است و اصول عملیه جهت رفع حیرت و بر مبنای عقل در مقام نبود دلایل جانشین دلیل می‌شوند و در تعارض قرینه‌ی نزدیک با اصول عملیه همچون استصحاب و احتیاط دلالت قرینه‌ی نزدیک بیشتر می‌باشد و لذا قرینه‌ی نزدیک موجب از بین رفتن «ابقای ماکان» می‌شود. اما درباره‌ی براءت به نظر می‌رسد که قرینه‌ی نزدیک تنها موجب از اثر افتادن برخی آثار حاکم بر اصل براءت می‌شود برای نمونه قاضی می‌تواند با وجود قرینه‌ی نزدیک متهم را بازداشت نگه دارد تا حقیقت مشخص شود اما نمی‌تواند به اعتبار قرینه‌ی نزدیک وی را محکوم نماید. زیرا اصل براءت ارتباط وثیقی با آزادی دارد که جوهره‌ی انسان است و به تعبیر هگل آزادی جوهر حیات است، همچنان که کشش جوهر

آب (دورانت، ۱۴۰۲: ۲۶۳)، لذا جز با دلیلی که ظن متأخم به علم ایجاد کند نباید بر دلش از غصه غباری بنشیند. به نظر می‌رسد که اصل براءت را همچون فرانسوی‌ها آن گونه که در ماده‌ی ۹-۱ کد مدنی فرانسه آمده است باید در گروه اماره‌ها دانست و جای داد.

۲-۸. تعارض قرینه و اقرار

مشهور است که اقرار در امر کیفری طریقت دارد و در امر حقوقی موضوعیت دارد. اما به نظر می‌رسد که این شهرت، باطل و نادرست است و به قول بیدل دهلوی «در عالم حق شهرت باطل چه فروشم». زیرا هم در امر کیفری و هم در امر مدنی و بازرگانی اقرار دو طرف دعوا معتبر بوده و با وجود اقرار نوبت به ادله‌ی دیگر نمی‌رسد و در هر دو قلمرو نیز اقرار کذب و اشتباه و فاسد اثری ندارد (ماده‌ی ۱۲۷۶ و ۱۲۷۷ ق.م و ماده‌ی ۱۷۱ ق.م. ۱۳۹۲). تفاوت تنها در این است که دادرسان کیفری باید توجه کافی به اقرار متهمانی که در نزد مأموران یا دادرسان یا در جلسه‌ی رسیدگی بوده داشته باشند که اقرار ناشی از فشار یا با تطمیع و اغفال و ... نباشد که در این صورت اقرار متهم معتبر نبوده و نوبت به ادله‌ی دیگر می‌رسد و قاضی رسیدگی کننده در صورتی که «قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد ... تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند» (ماده‌ی ۱۷۱ ق.م.ا). اما در امور مدنی به جهت نبود یا نادر بودن فشار بیرونی یا درونی دادرسان کمتر در اعتبار اقرار شبهه وارد می‌کنند و تا مدعی اثبات نکند که اقرار او فاسد یا کذب یا مبنی بر اشتباه و غلط بوده (ماده‌ی ۱۲۷۶ و ۱۲۷۷ ق.م) ملزم به اقرار خود خواهد بود (ماده‌ی ۱۲۷۵ ق.م).

۳-۸. تعارض قرائن و سند رسمی

به عنوان یک قاعده‌ی مهم در ادله‌ی اثبات دعوا، اماره‌ی قضایی در جایی قابلیت طرح پیدا می‌کند که دعوا با گواهی گواه قابل اثبات باشد (ماده‌ی ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ق.م ایران و ماده‌ی ۱۳۸۲ ق.م فرانسه) و اماره‌ی قانونی در برابر سند رسمی قابل استناد نیست. بنابراین در جایی

د Article 9-1-Version en vigueur depuis le 16 juin 2000-[Modifié par Loi n°2000-516 du 15 juin 2000 - art. 91 \(\) JORF 16 juin 2000](#). Chacun a droit au respect de la présomption d'innocence.

که گواهی گواه علیه سند رسمی قابل استماع نیست اماره نیز قابلیت طرح را ندارد. از همین رو در ایران با توجه به ماده‌ی یک قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول مصوب ۱۴۰۱/۰۹/۰۶ مجلس و ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام که هر گونه عمل حقوقی راجع به اموال غیرمنقول باید به‌طور رسمی ثبت شود و «در غیر این صورت دعاوی راجع به اعمال حقوقی مذکور که ثبت نشده باشد و ... در بخشی که مفید موارد مذکور است، نزد مراجع قضایی، شبه قضایی و داوری قابل استماع نبوده و فاقد اعتبار است»، بنابراین با سند عادی، گواهی گواه، اماره و قرینه اعم از قضایی و قانونی و قضایی، سند رسمی قابل خدشه نیست و می‌توان گفت که در اموال غیرمنقول حاکمیت ماده‌ی ۱۳۰۹ ق.م که در اعتبار حقوقی آن در رویه‌ی قضایی اختلاف بوده، پذیرفته شده است و «در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد».

گزارش ضابطان قضایی هر چند که برابر تعریف گفته شده در ماده‌ی ۱۲۸۷ ق.م دارای سه رکن گفته شده می‌باشد و هم نزد مأموران رسمی و هم در حدود صلاحیت آن‌ها و برابر قانون تنظیم می‌شود، اما به جهت رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع و نیز نحوه‌ی عملکرد ضابطان با نگاهی واقع‌گرایانه، «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود» (ماده‌ی ۳۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲). از همین رو نیز در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۱۱ ق.م.ا ۱۳۹۲^۲ جزء اسناد رسمی نیامده است و حسب مورد می‌تواند قرینه یا اماره به شمار آید.

۹. فایده‌ها و گزندهای استناد به قرینه

۱. ماده‌ی ۱۳۰۹ ق.م در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد.

۲. ماده‌ی ۲۱۱ ق.م.ا ۱۳۹۲- علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. تبصره- مواردی از قبیل نظریه‌ی کارشناس، معاینه‌ی محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.

یکی از گزندهای اعتباربخشی به قرینه برابر باوری تحدید و تهدید آزادی‌های مشروع و خدشه به چینی نازک اصل براءت به ویژه در پرونده‌های خاص یا با ضابط ویژه می‌باشد. این نگرانی هرچند واقعی است اما باید شرایط کنونی در رویه قضایی را نیز دید. اکنون در رویه قضایی در بسیاری موارد به جهت رعایت احتیاط‌های ناشی از اقدامات ضابطان یا رعایت اصل براءت دادرسان به مواردی که شأن اماره را دارد تنها ارزش قرینه می‌دهند، بنابراین از این جهت نباید نگرانی داشت که با اعتباربخشی به قرائن، دامنه آزادی‌های مشروع اشخاص محدودتر می‌شود و اشخاص ساده‌تر و راحت‌تر در فرایند دادرسی متهم یا محکوم می‌شوند، بلکه با احتیاط‌های حداکثری که بیشتر دادرسان انجام می‌دهند و به جهت کثرت و افراط در صدور قرارهای منع تعقیب که به جهت عدم کفایت دلیل صادر می‌شود، باید نگران حقوق شاکی‌ها و نیز امنیت اجتماعی بود. ارزش بخشی اثباتی به قرائن از این حیث موجب می‌شود که حقوق اینگونه افراد و نیز امنیت جامعه بهتر تأمین شود، در حقیقت اگر در رویه قضایی، دادرسان در استناد به اماره‌ها زیاده‌روی می‌کردند در آن صورت باید شأن و ارزش اماره قضایی را در مصادیقی به قرینه کاهش می‌دادیم تا بدین سان توازن در جامعه حفظ شود. در حالی که امروزه قضات در عمل بسیاری از اموری که شأن اماره را دارند به حد قرینه فرو کاسته اند و از این حیث آثار ناگواری در جامعه بروز پیدا کرده است. از همین رو است که میان وکلاء این حرف گفته می‌شود که برای پیروز شدن در رزم دادرسی باید وکالت متهم را بر عهده گرفت. چنانکه در تصمیمات دادسرای شهر تهران از فروردین ۹۳ تا تیر ۹۳ از مجموع ۱۵۰۷۶۰ تصمیم گرفته شده ۸۹۱۷۹ مورد قرار منع تعقیب و ۳۴۳۳۸ مورد قرار مجرمیت (جلب به دادرسی) و ۹۰۶۴ مورد قرار تعلیق تعقیب و ۱۵۲۶۸ مورد قرار موقوفی تعقیب و رقم خیره‌کننده‌ی ۲۰۱۸ مورد قرار عدم صلاحیت و ۸۵۴ مورد قرار ترک تعقیب و سایر موارد تصمیماتی مانند اناطه (۳۱ مورد) و ارجاع به شعبه‌ی دیگر (۵ مورد)، احاله (۹ مورد) و ... بوده است. بنابراین از این امار که در سال‌های بعد نیز تقریباً مشابه همین بوده می‌توان نتیجه گرفت که ارزش‌گذاری دقیق قرائن می‌تواند به حق‌گزاری شایسته در جامعه کمک کند.

باید توجه داشت که دغدغه‌ی اعتبار بخشی به قرائن بدون توجه به اصول حاکم بر آن در پرونده‌های خاص یا با ضابط خاص می‌تواند گزندگی برای آزادی‌های عمومی باشد که برای این کار باید چاره‌ی دیگری اندیشید که ضابط در مقام قضاوت قرار نگیرد.^۱

تردیدی نیست که بهترین نوع قضاوت، قضاوتی است که بر اساس یقین صورت گیرد، اما حصول یقین یا دست کم قطع در قضاوت به سادگی امکان‌پذیر نیست و حتی در اقرار هم همیشه و با دلیری دل نمی‌توان گفت که منطبق با واقع است، چنانکه در پرونده‌هایی مانند تقسیم ترکه، اقرار به نسب، معامله‌ی فضولی هنگامی که یکی از خواندگان اقرار می‌کند احتمال تبانی وی با خواهان وجود دارد و بارها در مقام قضاوت شاهد این موضوع در پرونده‌ها بوده‌ام. بنابراین حصول اطمینان و یقین در قضاوت اگر نگویم امری غیر ممکن اما بسیار سخت می‌باشد و ضرب‌المثل عوامانه‌ی «قاضی جاهلی است میان دو دانای واقف به امر»^۲ که احتمالاً از مولوی بلخی در مثنوی معنوی^۳ نیز گرفته شده یا شاید مولوی خود این را از فرهنگ ایرانی گرفته است اشاره‌ای است به همین موضوع. زیرا دو طرف در بسیاری موارد بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که حق با چه کسی است؟ و آنکه معمولاً نمی‌دانند و بر اساس ظاهر تشخیص می‌دهد قاضی است. با این همه اگر از قضاوت تنها به یقین بسنده شود، نظام اجتماعی نابسامان می‌شود و بر مبنای همین امر است که ظن متأخم^۴ (نزدیک به علم) در فقه و حقوق اعتبار یافته و حتی اصول عملیه (اصل عدم و ...) نیز به عنوان دلیل در

۱. غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه‌ی قضائیه، در بازدید از دادسرای امنیتی، سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۱ خورشیدی
<https://www.qudsdaily.com/NewsPaper/item/22161>.

۲. القاضیُ جاهلٌ ما بین العالمین.

۳. مولانا جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر دوم.
 قاضی نشاندهند و می‌گریست / گفت نایب قاضیا گریه ز چیست
 این نه وقت گریه و فریاد تست / وقت شادی و مبارک باد تست
 گفت اه چون حکم راند بی‌دلی / در میان آن دو عالم جاهلی
 آن دو خصم از واقعه خود واقفند / قاضی مسکین چه داند زان دو بند
 جاهلست و غافلست از حالشان / چون رود در خونشان و مالشان
 گفت خصمان عالم‌اند و علتی / جاهلی تو لیک شمع ملتی
 تا تو رشوت نستدی بینده‌ای / چون طمع کردی ضریر و بنده‌ای
 ۴. برخی نیز به ظن قوی، علم عادی و ... تعبیر کرده‌اند.

جایی که دلیل دیگری ما را به حقیقت راهبری^۱ نمی‌کند پذیرفته شده است.^۲ بنابراین ارزش‌دهی اثباتی به قرینه به جهت سختی و تقریباً غیر ممکن بودن حصول یقین در قضاوت امری معقول است و موجب می‌شود که نظام اجتماعی کمتر دچار اختلال شود. یکی از آثار و کارکرد شناسایی قرائن در کنار سایر ادله این است که در فقدان ادله‌ی اثبات دعوا بر معنای خاص شهادت، اقرار و علم قاضی دعوا غیر قابل پی‌گیری تلقی نخواهد شد، بنابراین موضوعی کوچک مانند قرینه‌ی دور انگیزه‌ای می‌شود که دادرس (به معنای عام) یا ضابط پی‌جوی کشف حقیقت شود. باید توجه داشت که تنها اندکی از پرونده‌های کیفری با دلیل همراه هستند و سایر آن‌ها با حضور قرائن به نتیجه می‌رسند (قرجه‌لو، ۱۳۸۸: ۲۸۲). بنابراین قرینه موجب تسهیل اثبات یک امر دشوار می‌شود.

۱۰. نمونه‌هایی از کاربرد قرینه‌ی قضایی در آرای دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری

شعبه‌های مختلف دیوان عالی کشور در آرای متعددی به قرینه استناد کرده‌اند. شعبه‌ی هشتم دیوان عالی کشور در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۸۶۵^۳ سابقه‌ی محکومیت کیفری خرید و فروش مواد مخدر را قرینه‌ی مثبت وجود اعتیاد ادعایی زوجه دانسته است. همچنین شعبه‌ی هشتم دیوانعالی کشور در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۶۵۳^۴ که در مقام ابرام دادنامه‌ی فرجام‌خواسته‌ی شماره‌ی ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۵۰۰۲۰۷-۹۲/۲/۱۸ صادره از شعبه‌ی ۴۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صادر شده است،^۵ بذل «کلیه‌ی حقوق زوجه در ازای

۱. دلیل در واقع از آن رو که ما را به حقیقت رهنمون می‌کند دلیل است و در شعر حافظ نیز دلیل به معنای راهبر و راهنما چند بار مورد بهره قرار گرفته است برای نمونه: دلیل راه شو ای طایر خجسته لقا/ که دیده آب شد از شوق خاک آن درگاه.

ای دلیل دل گمگشته خدا را مددی/ که غریب آر بُرد ره، به دلالت برود.

۲. الاصل دلیلٌ حیث لا دلیل.

۳. در نقض دادنامه‌ی فرجام‌خواسته به شماره‌ی ۷۰۰۳۵۱/۹۱ صادره از شعبه‌ی ۴۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۴. اجمال دعوی زوجه (فرجام‌خوانده) صدور حکم طلاق به علت عسر و حرج است که بدو دعوی مزبور برابر دادنامه‌ی شماره‌ی ۰۲۱۴۷ مورخ ۹۱/۱۲/۲۶ صادره از شعبه‌ی ۲۳۴ دادگاه عمومی تهران دعوی غیر ثابت و مردود اعلام شده است.

طلاق من جمله بذل مهریه که برابر ماده‌ی ۱۳۲۴ قانون مدنی اماره‌ی قضایی بر عسر و حرج^۱ زوجه است. در این دادنامه میزان مهریه نوشته نشده است اما به نظر می‌رسد که صرف بذل تمام مهریه را نمی‌توان اماره‌ی قضایی دانست. در حقیقت اگر تعداد مهریه یک سکه باشد و تمام آن را زوجه بذل کند نمی‌توان اماره‌ای بر تحقق عسر و حرج دانست اما اگر تعداد مهریه مبلغی مانند سیصد سکه باشد و زوج هم توانایی مالی پرداخت تمام یا بخش قابل ملاحظه‌ای از آن داشته باشد و زوجه نیز وضعیت مالی مناسبی نداشته باشد در این صورت اماره‌ی قضایی است اما اگر زوج وضعیت مالی مناسبی نداشته باشد و توانایی پرداخت را نداشته باشد در این صورت قرینه‌ی دوری است بر تحقق عسر و حرج و اگر زوج تنها توانایی چند سکه داشته باشد و زوجه نیز وضعیت اقتصادی مناسبی نداشته باشد می‌تواند قرینه‌ی نزدیک بر تحقق عسر و حرج باشد.

در دادنامه‌ی دیگری شعبه‌ی هشتم دیوان عالی کشور ۸۰۶۵۷/۹۰۶۸۰۹۹۷۰۹۲۰-۸ دیوان عالی بذل تمام حقوق مالی را قرینه‌ی قوی بر تحقق عسر و حرج دانسته است^۲ و دادنامه‌ی فرجام خواسته را نقض کرده است. شعبه‌ی ۲۶ دیوان عالی کشور بذل تمام حقوق مالی زوجه را قرینه بر تحقق عسر و حرج دانسته است.^۳ در دعوی با خواسته‌ی تدلیس در نکاح توسط زوجه‌ی دوم شعبه‌ی اول دیوان عالی کشور در دادنامه‌ی شماره‌ی ۸۰۸۲۶/۹۰۶۱۰۰۹۹۷۰۹۲۰-۱ تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۳ قلت مهریه، عدم ثبت واقعه‌ی ازدواج و اینکه بیماری پیوند کلیه نیازمند مصرف داروی فراوان است که این امر قابل پنهان کردن نیست همگی قرائنی بر وجود اطلاع زوج از بیماری زوجه است، دادنامه‌ی صادره را ابرام کرده است.

در دادنامه‌ی شماره‌ی ۸۰۶۷۷/۹۰۶۸۰۹۹۷۰۹۲۰-۸ شعبه‌ی هشتم دیوان عالی^۴ که می‌توان آن را تعارض قرینه‌ها دانست، نمونه‌ی روشنی از استناد به قرینه و اهمیت قضایی قرینه‌ها در اثبات یا رد ادعاها را می‌توان دید. برابر این دادنامه زوجه دادخواستی به خواسته‌ی طلاق به استناد بند ۱۰ موارد ۱۲ گانه‌ی مندرج در سند نکاحیه ذیل شرط «ب» ضمن عقد یعنی فاقد

۱. فرجام خواسته: دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۷۶/۹۲ صادره از شعبه‌ی ۶ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان.

۲. ۲۶-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۳۰۴ دیوان عالی تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۰.

۳. فرجام خواسته: دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۵۸-۹۲/۲/۸۰۰ صادره از شعبه‌ی ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

۴. فرجام خواسته: دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۲۶۰/۹۱ تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۷ صادره از شعبه‌ی ۴ دادگاه تجدیدنظر استان سیستان و بلوچستان.

زوجه صادر می‌شود. اما شعبه‌ی هشتم دیوان عالی کشور رأی فرجام خواسته را نقض کرده است و اعلام داشته «بر دادنامه‌ی فرجام‌خواسته این ایراد وارد است که دادگاه محترم تجدیدنظر بر خلاف مفاد شرط ضمن‌العقد که زوجین هر دو آن را امضاء نموده‌اند و به موجب آن زوج به زوجه و کالت جهت اجرای صیغه‌ی طلاق در صورت تحقق تخلف زوج از هر یک از موارد ۱۲ گانه‌ی ذیل شرط مذکور داده است چون در پرونده‌ی مطروحه زوجه به لحاظ عقیم بودن و عدم امکان باروری به لحاظ ضعف اسپرم زوج شرط مذکور را محقق دانسته است و اذن برای اجرای صیغه طلاق را از دادگاه خواستار شده است، در حالی که پزشکی قانونی ضمن تأیید کاهش و قلت میزان اسپرم زوج احتمال بارور شدن زوجه را منتفی ندانسته است دادگاه محترم توجهی بوجود ظن قوی متأضم (متاخم) به علم یعنی بارور نشدن زوجه که در طول این مدت که از زوجیت فیما بین سپری شده است و وجود مشکل در اسپرم زوج که قدرت باروری آن ضعیف بوده است که به تأیید پزشکی قانونی هم رسیده است نداشته است و احتمال باروری زوجه را که احتمال ضعیفی بوده است مناط نظر و تشخیص خویش بر ذیحق نبودن زوجه در دعوی مطروحه قرار داده است. آنچه از مفاد بند ۱۰ مستند زوجه که در سند نکاحیه زوجین آن را به عنوان شرط ضمن‌العقد قبول و امضاء کرده‌اند مستفاد می‌گردد هر نوع عارضه جسمی دیگر غیر از عقیم بودن زوج که موجب صاحب فرزند نشدن آنان در ظرف ۵ سال شود به عنوان قسمتی از شرط مذکور محسوب شده است. بنابراین صرف نظر از چهار سال اخیر که زوجین تفریق جسمانی داشته‌اند زوجین به طور متوالی ۸ سال با هم زندگی مشترک داشته‌اند و با وجود تمکین زوجه از زوج صاحب فرزندی نشده‌اند و ازدواج قبلی زوج نیز با همسر قبلی او به نام مهوش ه. به جهت صاحب فرزند نشدن زوجه منجر به طلاق گردیده است که قرینه‌ی قوی بر عدم امکان باروری زوجه و علم قریب به یقین بوده است. از طرفی دلایل و قرائن موجود در پرونده خاصه نظریه‌ی پزشکی قانونی دلالت بر ضعف اسپرم زوج دارد که این وضعیت او یکی از عوارض جسمی در دستگاه تولید مثل زوج بشمار می‌آید که این وضعیت او مصداق قسمت اخیر بند ۱۰ موارد ۱۲ گانه‌ی ذیل شرط ضمن عقد می‌باشد- رأی منطبق با محتویات پرونده و حقوق فرجام‌خواه که ناشی از سند نکاحیه و شرط ضمن‌العقد بوده و مغایر با ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی اصدار یافته است مستنداً به بند ۲ ماده‌ی ۳۷۱ و بند ج ماده‌ی ۴۰۱ قانون آئین دادرسی مدنی

نقض می‌گردد و پرونده جهت رسیدگی مجدد به یکی از شعب دیگر محاکم تجدیدنظر استان سیستان و بلوچستان ارسال می‌گردد.^۱ در این دادنامه همانگونه که گفته شد نمونه‌ای از تعارض قرینه‌ها با همدیگر دیده می‌شود. قرینه‌هایی که به سود زوج قابل استناد هستند این است که وی از همسر دیگرش باردار شده است و زوجه‌ی اول وی در مدتی مشغول تحصیل در دانشگاه بود و احتمالاً ترجیح می‌داده که باردار نشود و نیز احتمالاً تفاوت سطح علمی به وجود آمده خود از انگیزه‌های طلاق باشد اما در سویی دیگر قرینه‌هایی که به سود زوجه است ۸ سال زندگی مشترک است که زوجه باردار نشده است و ۴ سال زندگی دور از هم بودن قرینه‌ای است بر عدم تمایل بر زندگی و ازدواج دوم زوج خود گویای این است و نیز طلاق زوجه‌ی قبلی از زوج به جهت باردار نشدن خود قرینه‌ای است بر این که چقدر شانس توانایی زوج در تولید نسل پایین است. به نظر می‌رسد که راه متفاوتی که شعبه‌ی هشتم دیوان عالی کشور با دادگاه‌های تالی در ارزشیابی قرینه و در نتیجه به تصمیم‌گیری متضادی رسیده اند با بحثی در روانشناسی شناخت قابل توجه است که از آن به «سوگیری تأییدی»^۲ یاد می‌شود. سوگیری تأییدی^۳ توسط روانشناس انگلیسی به نام پتر واسون^۴ در سال ۱۹۶۰ کشف و معرفی شد و به تمایل اشخاص از طرفداری از اطلاعاتی است که پیش‌فرض‌ها، دریافت‌ها، باورها و ارزش‌های آن‌ها را تأیید یا تقویت می‌کند (Plous, 1993: 233). در این پرونده که جزء پرونده‌هایی به اصطلاح خاکستری است و به سود هر دو طرف می‌توان نظر داد جهان‌بینی دادرسان نقش برجسته‌تری در تعیین حکم مسئله خواهد داشت. دادگاه‌های تالی بر مبنای ارزش‌های رایج محلی تنها قرینه‌هایی که به سود مرد بوده را دیده اند اما دیوان عالی کشور احتمالاً با لحاظ اینکه سوءاستفاده‌ی مالی نیز نسبت به مرد صورت نگرفته، برخلاف دادگاه‌های تالی با توجه به ارزش‌های برتر و ملی مانند حمایت از حقوق زنان قرینه‌ها را ارزشیابی کرده است به ویژه که شعبه‌ی هشتم دیوان عالی کشور از اواخر دهه‌ی هشتاد تاکنون به حمایت از حقوق زنان شهره است.

^۱ Confirmation Bias (Also Confirmatory Bias, Myside Bias, or Congeniality Bias).

^۲ در حقوق نیز موضوع سوگیری تأییدی به ویژه در تحقیقات جنایی و مقدماتی می‌تواند موضوع پژوهش تأثیرگذاری باشد.

^۳ Peter Cathcart Wason (22 April 1924 – 17 April 2003).

در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۰۲۹۱ تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۷ شعبه‌ی ۳۱ دیوان عدالت اداری تغییر یافت منطقه به تجاری و تشکیل بازار مبلمان، استفاده‌ی تجاری از ملک موضوع دعوا و مانع نشدن شهرداری از استفاده‌ی تجاری ملک با گذشت یازده سال و کاربری تجاری املاک مجاور را به عنوان قرینه‌هایی جهت تجاری بودن ملک بکار گرفته است.

شعبه‌ی ۳۰ دیوان عدالت اداری در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۰۷۶۳ تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۸ در دعوای اعتراض به رأی کمیسیون ماده‌ی صد که شاکی اعلام داشته ملک از چند ماه پیش از صدور رأی به نام او منتقل شده و رأی به نام دیگری صادر شده که او نتواند از خود دفاع کند، اعلام داشته است «... رأی کمیسیون بدوی به دلیل عدم اعتراض قطعی گردیده و این قرینه‌ی دیگری در جهت عدم اطلاع نامبرده از رأی کمیسیون می‌باشد».^۲

نتیجه

قرینه‌ها و اماره‌ها یک روش نیمه استقرایی و نیمه قیاسی هستند که ذهن را از یک امر معلوم به امر مجهول می‌رسانند. هرچند که قانونگذار در بیشتر موارد قرائن و امارات را با هم به کار برده است اما قرینه از اماره متفاوت است. اماره خود از دو یا چند قرینه تشکیل می‌شود. قرینه‌ها در مرتبه‌ی پایین‌تری از اماره قرار دارند و همچون اماره به قرینه‌ی قانونی و قضایی بخش‌بندی می‌شود، اما بر خلاف اماره‌ها که در مواردی مطلق و غیرقابل رد هستند قرینه‌ها همیشه قابل رد هستند و از حیث دلالت اثباتی می‌توان آنها را به قرینه‌ی دور و نزدیک تقسیم‌بندی کرد. شناسایی و ارزش‌دهی به قرینه‌ها و اماره‌ها اماره‌ی قضایی بیش از هر چیز به تجربه و هوش دادرس و دانش او در زمینه‌ی مربوط و آگاهی از آداب و رسوم رایج و تجارب بشری وابسته است. به نظر می‌رسد که جهت حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع و حاکمیت اصل برائت باید بر این قائل بود که یک قرینه تشکیل اماره نمی‌دهد و ادعا با یک قرینه به اثبات نمی‌رسد اما از مجموع دو یا چند قرینه ادعا را می‌توان اثبات کرد. در مواردی

۱. سامانه‌ی ملی آرای قضایی؛ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/8500>

۲. سامانه‌ی ملی آرای قضایی؛ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/8772>

که قانونگذار اموری مانند ارائه نکردن اصل سند یا دفتر بازرگانی را مقرر داشته که دادگاه می‌تواند جزء قرائن مثبت قلمداد کند یا در رویه قضایی در طلاق عسر و حرج به جهت اعتیاد، نرفتن زوج به پزشکی قانونی را برای آزمایش اعتیاد قرینه‌ای بر درستی اظهارات زوجه گرفته‌اند، به نظر می‌رسد که باز دو قرینه وجود دارد یکی ارائه نکردن سند و یا دفتر یا نرفتن به پزشکی قانونی و دیگری فرار از توجیه معقول یا ارائه‌ی یک توجیه نامعقول. با این همه کار قرینه‌ها در مراحل مختلف دادرسی کارکردهای مختلفی دارند. در دادرسی کیفری قرینه‌ی دور از موارد احضار، جلب و تحت نظر قرار گرفتن متهم و قرینه‌ی نزدیک صدور قرار بازداشت موقت متهم را موجه می‌کند. در دادرسی حقوقی و اداری نیز قرینه‌ی نزدیک در موارد صدور قرار تأخیر اجرا و صدور قرار اناطه می‌تواند واجد ارزش قضایی باشد. با این همه باید توجه داشت که قانونگذار در مواردی در بکار گرفتن قرینه و اماره گم راه رفته است. در بیشتر مواردی که در قانون مدنی واژه‌ی قرائن بکار گرفته شده مراد از آن اماره است. همچنین هنگامی که واژگان قرائن و شواهد در کنار هم بکار رفته‌اند منظور از شواهد، امارات است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Badie Fathi



<https://orcid.org/0000-0002-1651-9400>

منابع

الف - فارسی

- توکلی، سعید، «جایگاه امارات در سیر دادرسی»، مجله دادرسی، شماره ۱۴۹، (۱۳۸۴).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷).
- دورانت، ویل، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، چاپ سی و سوم، (تهران: انتشارات علمی - فرهنگی: ۱۴۰۲).

- ساعی، سیدمحمد هادی، ثقفی، مریم، «بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۷، شماره ۸۳، (۱۳۹۲).
- قرجه‌لو، علی رضا، «ادله وقایع مشابه و ادله پیش زمینه در حقوق کیفری ایران و انگلیس»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۳۹، شماره ۳، (۱۳۸۸).
- کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات*، جلد اول، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰).
- کاتوزیان، ناصر، «ماهیت واژه اماره حقوقی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۴، (۱۳۸۳).
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، جلد نخست، چاپ هیجدهم، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰).

ب- عربی

- الشيخ المرتضى الانصاري، *المكاسب*، ج ۲، تراث الشيخ الاعظم، (اصفهان: مركز القائمية باصفهان للتحريات الكمبيوترية، ۱۲۸۱ ق).

پ- انگلیسی

- Plous, Scott, *The Psychology of Judgment and Decision Making* (US: McGraw-Hill Book Company, 1993).

ت- فرانسوی

- Lebeau, Martin, *De l'interprétation stricte des lois: Essai de méthodologie*, Thèse de doctorat, (Paris: Pierre-Yves Gautier, 2007).
- Mustapha Mekki, "Charge de la preuve et présomptions légales L'art de clarifier sans innover", *Droit & Patrimoine*, N°. 250, (2015).
- Ch. Perelman et P. FORIERS, *Les Présomptions et Les Fictions en Droit*, (Bruxelles: ÉTABLISSEMENTS ÉMILE BRUYLANT, 1974).
- Etienne Vergès, "Géraldine Vial", Olivier Leclerc *Droit de la preuve*, éd. Puf, n°232, (2022).

- Claire quétand-finet, Les présomptions en droit privé, IRJS Editions, (Sorbonne: IRJS, 2013).
- Gwendoline LARDEUX, Répertoire de droit civil, Preuve: modes de preuve, (Paris: Dalloz, 2019).
- Robert Joseph Pothier, Traité des obligations, 1764, (Ferench: Dalloz, ۲۰۱۱).
- Jean Domat, Les lois civiles dans leur ordre naturel: le droit public, et Legum delectus, (A Paris: Chez, 1703).

ث. دادنامه

- شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۰۳۰۴-۲۶ دیوان عالی تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۰.
- شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۲۰۰۳۰۲-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۲۰۰۳۰۲ تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰.
- شعبه اول دیوان عالی کشور، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۱۰۰۸۲۶-۱ تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۳ فرجام خواسته دادنامه شماره ۰۰۱۵۸-۹۲/۲/۸ صادره از شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- شعبه هشتم دیوان عالی کشور ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۶۵۷-۸ دیوان عالی فرجام خواسته: دادنامه شماره ۱۷۶/۹۲ صادره از شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان.
- شعبه هشتم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۸۶۵-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۸۶۵ فرجام خواسته به شماره: ۷۰۳۵۱/۹۱ صادره از شعبه: ۴۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- شعبه هشتم دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۶۷۷-۸ دادنامه فرجام خواسته، شماره ۹۱۰۹۹۷۵۴۱۶۴۰۱۲۶۰-۹۱۰۹۹۷۵۴۱۶۴۰۱۲۶۰ صادره از شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر - سیستم و بلوچستان.
- شعبه هشتم دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۰۶۵۳-۸ دادنامه فرجام خواسته شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۵۰۰۲۰۷-۹۲/۲/۱۸ صادره از شعبه ۴۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- شعبه ۱۷ دیوان عدالت اداری، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۸۸۷-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۸۸۷ تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۹.
- شعبه ۳۱ دیوان عدالت اداری، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۰۲۹۱-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۰۲۹۱ تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۷.
- شعبه ۳۰ دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۰۷۶۳-۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۰۷۶۳ تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۸.
- شعبه سوم دادگاه حقوقی همدان، دادنامه شماره ۷۱۴-۹۱/۵/۲۸.
- شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان همدان، دادنامه شماره ۸۰۹-۹۱/۷/۲۹.
- شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۳۶۷۳۰۰۷۸۱-۹۸۰۹۹۷۰۳۶۷۳۰۰۷۸۱-۲۵/۹/۱۳۹۸.
- شعبه ۵ دادگاه حقوقی زاهدان دادنامه شماره ۵۰۱۷۲۲-۸۹۰۹۹۷۵۴۱۰۵-۵ ح. زاهدان.

- شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۰۵۵۹ به تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۰.
- شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۵۲۰۱۴۸۸ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۵.
- شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۵۸۰۰۴۲۳ به تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۵.

ج. سایت‌ها

- <https://lib.eshia.ir>.
- <https://www.legifrance.gouv.fr>.
- <https://www.legifrance.gouv.fr>.
- <https://mustaphamekki.openum.ca>.
- <https://www.dalloz.fr>.
- <https://www.legifrance.gouv.fr>.

Translated References into English

- Tavakoli, Saeed, "The Place of the Emirates in the Process of Litigation", Litigation Journal, No. 149, (2005). [In Persian]
- Jafari Langroodi, Mohammad Jafar, Legal Terminology, 9th Edition, (Tehran: Ganj Danesh Publications, 1998). [In Persian]
- Durant, Will, History of Philosophy, Translated by Abbas Zaryab Khoei, (۱۴۰۲). [مجموعه آثار ویلیام دورانت، ترجمه عباس زریاب خویی، ۱۴۰۲]
- Saei, Seyed Mohammad Hadi, Thaqafi, Maryam, "Investigating the Validity of Expert Theory from the Perspective of Jurisprudence and Law", Litigation Journal, Vol. 77, No. 83, (2013). [In Persian]
- Qarjehlou, Ali Reza, "Evidence of Similar Events and Background Evidence in Iranian and English Criminal Law", Quarterly Journal of Private Law Studies, Vol. 39, No. 3, (2009). [In Persian]

- Katouzian, Naser, Proof and Reason for Proof, Vol. 1, (Tehran: Mizan Publications, 2001). [In Persian]
- Katouzian, Naser, "The Nature of the Word "Emareh" Legal", Journal of the Faculty of Law and Political Sciences, No. 64, (2004). [In Persian]
- Moein, Mohammad, Moein Persian Dictionary, Vol. 1, 18th Edition, (Tehran: Amirkabir Publications, 2001). [In Persian]

Judgment

- Branch 26 of the Supreme Court, 9209970909900304-26 of the Supreme Court dated 08/20/1392. [In Persian]
- Branch 22 of the Supreme Court, Judgment No. 9209970908200302 dated ۱۰/۳۰/۱۳۹۲. [In Persian]
- Branch 1 of the Supreme Court, 9209970906100826-1 dated 09/23/1392 Appeal of Judgment No. 00158-8/2/92 issued by Branch 24 of the Court of Appeal of Tehran Province. [In Persian]
- Branch 8 of the Supreme Court 9209970906800657-8 of the Supreme Court Appeal of: Judgment No. 92/176 issued by Branch 6 of the Court of Appeal of Khuzestan Province. [In Persian]
- The Eighth Branch of the Supreme Court in Case No. 9109970906800865 Appeal No.: 91/700351 issued by Branch: 47 of the Tehran Provincial Court of Appeal. [In Persian]
- The Eighth Branch of the Supreme Court, Case No. 9209970906800677-8 Appeal No. 9109975416401260- issued by Branch 4 of the Court of Appeal- Sistan and Baluchestan. [In Persian]

- The Eighth Branch of the Supreme Court, Case No. 9209970906800653-8 Appeal No. 9209970224500207- 18/2/92 issued by Branch 45 of the Tehran Provincial Court of Appeal. [In Persian]
- Branch 17 of the Administrative Court of Justice, case number ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۲۸۸۷ □□□□ ۹/۱۰/۱۳۹۱. [In Persian]
- Branch 31 of the Administrative Court of Justice, case number ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۱۰۰۲۹۱ □□□□ ۷/۰۲/۱۳۹۲. [In Persian]
- Branch 30 of the Administrative Court of Justice in case number ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۰۷۶۳ □□□□ ۱۸/۰۳/۱۳۹۲. [In Persian]
- Branch 3 of the Hamadan Legal Court, case number 714 - 28/5/1391. [In Persian]
- Branch 4 of the Hamadan Provincial Court of Appeal, case number 809 - ۲۹/۷/۱۳۹۱. [In Persian]
- Branch 2 of the Islamic Revolutionary Court of Isfahan, case number ۹۸۰۹۹۷۰۳۶۷۳۰۰۷۸۱ - ۲۵/۹/۱۳۹۹. [In Persian]
- Branch 5 of the Zahedan Court of Law, case number 8909975410501722-5, Zahedan District. [In Persian]
- Branch 22 of the Tehran Provincial Court of Appeal, case number ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۰۵۵۹ □□□□ ۰۴/۳۰/۱۳۹۳. [In Persian]
- Branch 53 of the Tehran Provincial Court of Appeal, case number ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۵۲۰۱۴۸۸ □□□□ ۱۰/۲۵/۱۳۹۵. [In Persian]
- Branch 54 of the Tehran Provincial Court of Appeal, 9409970225800423 dated 07/25/1394. [In Persian]

In Arabic

- Sheikh Mortada Al-Ansari, Al-Makasib, Part 2, Heritage of the Great Sheikh, (Isfahan: Al-Qa'imiya Center for Computer Investigations in Isfahan, 1281 BC). [In Arabic]

استناد به این مقاله: فتیحی، بدیع. (۱۴۰۳). ارزش اثباتی قرائن در حقوق دادرسی (کیفری، مدنی و اداری). پژوهش حقوق کیفری، (۴۷) ۱۲، ۱-۴۶.

Doi: 10.22054/jclr.2025.81351.2690



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.